

تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی

محمدحسن میرزامحمدی**

یاسر نانکلی*

محسن ایمانی***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، تبیین تربیت اجتماعی موردنظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران و تحلیل آن بر اساس اندیشه‌های تربیتی در تربیت اجتماعی است. روش مورداستفاده در این پژوهش، استنتاجی و توصیفی - تحلیلی بود که در مرحله نخست، مبانی تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توصیف شد؛ بعد دیدگاه فارابی به عنوان اولین فیلسوف اسلامی که نظریه اجتماعی دارد مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است، سپس از این نظریات دلالت‌های تربیتی استنتاج شده است و در نهایت تربیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس نظریات تربیتی فارابی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله از پژوهش حاکی از آن است که تربیت اجتماعی در سند، مبتنی بر کسب شایستگی‌هایی بر اساس نظام معیار اسلامی است که متریان را قادر می‌سازد برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در اجتماع و جامعه صالح، ارتباطات مناسب و سازنده‌ای با دنیای پیرامون خود داشته باشند؛ اما در دیدگاه فارابی، بیشتر تربیت اجتماعی مبتنی بر کسب توانمندی‌ها بر اساس نظام معیار عقلانی است که متریان را قادر می‌سازد برای دستیابی به سعادت غایی در مدینه فاضله، تحت نظر رئیس مدینه تربیت شوند و از طریق تعاون در آن مدینه به سعادت حقیقی نایل آیند.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی؛ سند تحول بنیادین؛ فارابی؛ تحلیل.

* دانشجوی دکتری علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Y.nankali@gmail.com

Mirzamohammadi@shahed.ac.ir

** نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Eimanim@modares.ac.ir

*** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

در حالی که جهان معاصر به‌طور فزاینده‌ای به سمت نقض حقوق بشر، نابرابری و فقر در حال حرکت است، صلح و امنیت پایدار جهانی مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو)^۱، آموزش شهروندی جهانی^۲ را از طریق نظام‌های آموزشی دنیا برای پاسخ به این چالش به‌منظور ایجاد دهکده جهانی امن و پایدار پیشنهاد می‌دهد (یونسکو، ۲۰۲۰). در این میان، یکی از ابعاد تربیتی آموزش شهروندی، تربیت اجتماعی است که کارکرد اجتماعی تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد. لی و کیت^۳ (۲۰۲۰: ۴۷۱) بر این باورند که تربیت اجتماعی در طول تاریخ عمدتاً بر روی آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تأثیرگذاری بر سیاست و سیاست دولت‌ها، در راستای برقراری صلح و امنیت متمرکز بوده است. در این راستا اریک و ویولتا^۴ (۲۰۲۰: ۳۵۵) معتقدند تربیت اجتماعی شایستگی‌های زیست‌محیطی و جهانی (آگاهی از محیط‌زیست، صلح‌جویی، قانون‌گرایی، وفاق، همدلی و ...) را از طریق گنجاندن دیدگاه‌های جهانی تربیت شهروندی برای دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد.

از سوی دیگر از گذشته، یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های فیلسوفان مسلمان، بحث علم‌الاجتماع بوده است که در کنار مباحث هستی‌شناسی و خداشناسی، همیشه به این موضوع پرداختند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹). در این میان، فارابی به‌عنوان مؤسس فلسفه اسلامی در بین فلاسفه اسلامی اولین فیلسوفی است که در خصوص اجتماع، علم‌الاجتماع و ضرورت زندگی اجتماعی سخن به میان می‌آورد. اهتمام فارابی به بحث اجتماع و جامعه انسانی تا این حد است که برخی از مهم‌ترین آثار خود از جمله کتب «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاست المدینه» را به علم‌الاجتماع، زندگی اجتماعی انسان‌ها و تعاون اختصاص داده است. علاوه بر فارابی، سایر اندیشمندانی از قبیل ملاصدرا نیز به بحث علم اجتماع پرداخته‌اند. در اندیشه تربیتی ملاصدرا از آن به‌عنوان حکمت متعالی سیاسی و در دیدگاه امام خمینی^(ره) از آن به‌عنوان سیاست متعالی یاد شده است (صدر، ۱۳۸۷: ۱۳). در جهان معاصر، بحث علم‌الاجتماع در قالب مبانی جامعه‌شناسی به‌ویژه تربیت اجتماعی مطرح شده است. امروزه تربیت اجتماعی و آماده ساختن افراد برای زندگی

1. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. global citizenship education

3. Li & Keith

4. Erik & Violeta

اجتماعی به یکی از مهم‌ترین نیازهای تعلیم و تربیت مبدل شده است که ضرورت تحول نظام تعلیم و تربیت را به دنبال دارد (یوسف زاده و شاه‌مرادی، ۱۳۹۹).

سند تحول بنیادین به عنوان مهم‌ترین منبع تصمیم‌گیری و کامل‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران که مبانی نظری و فلسفی دقیق‌تر و ویژگی‌های اسلامی تری نسبت به سایر اسناد موجود دارد، به منزله چارچوب نظری و راهنمای عملی فرایند تحول در نظام آموزشی نقش آفرینی می‌کند. سند تحول بنیادین، تربیت را بر اساس ابعاد و ساحت‌های وجودی متربیان و توجه به چگونگی شئون مختلف حیات طیبه به شش ساحت تقسیم کرده که یکی از آن‌ها، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی است. این ساحت بخشی از تربیت رسمی است که ناظر به کسب شایستگی‌هایی از قبیل مهارت ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی، کسب دانش، اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی در راستای آماده‌سازی فردی و جمعی متربیان در مسیر شئون اجتماعی حیات طیبه است (سند تحول بنیادین^۱، ۱۳۹۰: ۳۰۲-۳۰۱). تربیت اجتماعی به عنوان یکی از ساحت‌های اساسی نظام آموزش و پرورش در پی ایجاد دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد به عنوان شهروند فعال و آگاه در جامعه مشارکت کنند و از این جهت، با تربیت شهروندی جهانی پیوندی ناگسستگی دارد. تربیت اجتماعی به طور گسترده شامل آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان به عنوان شهروند در اجتماع است (یوسف زاده چوسری و شاه‌مرادی، ۱۳۹۹). شواهد حاکی از آن است که در زمینه تحلیل و نقد سند، کارهای پژوهشی و فلسفی زیادی انجام شده است ولی در خصوص تحلیل تربیت اجتماعی در سند، از منظر فیلسوفان مسلمان مخصوصاً فارابی، تا به حال کار پژوهشی و مطالعاتی انجام نگرفته است. بر این اساس این مطالعه درصدد است تربیت اجتماعی سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران را تبیین، سپس آن را طبق نظریه اجتماعی فارابی تحلیل کند و به این سؤال پاسخ دهد که تحلیل تربیت اجتماعی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس نظریه اجتماعی فارابی چیست؟

۱. کتاب مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)

مبانی نظری

تربیت اجتماعی از ترکیب دو مفهوم «تربیت» و «اجتماعی» به دست آمده است که از این ترکیب چند برداشت متفاوت استخراج می‌شود. مرور مبانی نظری تربیت اجتماعی حاکی از آن است که مفهوم آن در قالب سه رویکرد جامعه‌پذیری، ارتباطات اجتماعی و نهادی مورد بحث قرار گرفته است (کوشا فر، ۱۳۹۴). جامعه‌شناسان تربیت اجتماعی را جامعه‌پذیری^۱ می‌دانند. در این راستا، باقری (۱۳۸۹) جامعه‌پذیری را فرایند اجتماعی کردن افراد در جامعه از طریق انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر می‌داند که به دو روش آشکار و پنهان استوار است که روش آشکار آن بر «تربیت» مبتنی است. در رویکرد ارتباطات اجتماعی، کاردان (۱۳۸۴) نخستین شرط تربیت اجتماعی را ارتباط با دیگران می‌داند. وی معتقد است وقتی ما می‌گوییم تربیت اجتماعی، یعنی یاددادن شیوه‌هایی که ما در ارتباط با دیگران باید رعایت کنیم تا در سازگاری با محیط یا تغییر آن موفق باشیم. در رویکرد مفهوم تربیت اجتماعی در نهاد جامعه، تربیت اجتماعی وسیع‌تر از دو معنای قبل بوده، به نحوی که علاوه بر ارتباطات عمومی، ارتباطات خاص سیاسی، اقتصادی و ... نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکرد، تربیت اجتماعی به این معناست که نهاد جامعه در قبال افراد و آحاد جدیدی که به آن ملحق می‌شوند، چه وظیفه‌ای دارد. بر اساس این رویکرد، جامعه امروز برای پرورش اجتماعی مردم خود از چند نهاد استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها، نهاد آموزش و پرورش است (علاقه‌مند، ۱۳۹۳).

شعاری نژاد (۱۳۸۵: ۹۰) معتقد است یکی از ضرورت‌های تربیت اجتماعی این است که انسان ناچار است اجتماعی زندگی کند و زندگی اجتماعی سالم و سودمند بدون تربیت (البته تربیت صحیح) امکان ندارد. زندگی اجتماعی انسان‌ها حقوق و وظایف یا مسئولیت‌های اجتماعی به وجود می‌آورد و آشنایی با آن‌ها نیاز به تربیت اجتماعی دارد. امروزه اندیشه‌های اجتماعی بیش از گذشته مورد توجه‌اند. این بدان دلیل است که حیات اجتماعی و مناسبات اجتماعی در مقایسه با گذشته حیات آدمی، اهمیتی روزافزون پیدا کرده است. جوامع بشری برای حل تفکرات فردی و اجتماعی شهروندان خود با مراجعه به اندیشه‌هایی که در خصوص نحوه تربیت اجتماعی ارائه شده‌اند، سعی دارند بهترین یا معقولانه‌ترین شکل زندگی اجتماعی را برای مردم خود ایجاد کنند. در این زمینه،

یافتن الگوهای نظری و مفهومی و توسعه دانش در ابعاد مختلف تربیت اجتماعی از دیدگاه فلاسفه اسلامی از ضرورت‌های نظری این مطالعه است.

متفکران مسلمان نیز درباره نقش سیاسی - اجتماعی تربیت مباحثی را مطرح نموده‌اند. طباطبایی (۱۳۶۰: ۵) معتقد است هر فرد، انسانی فطرتاً اجتماعی است و این خصیصه اجتماعی، به کمک دو نیروی علم و اراده به تدریج به حد کمال می‌رسد. فارابی انسان را موجودی مدنی بالطبع می‌داند که سعادتش در گروه فعالیت‌های اجتماعی است. وی از مدینه فاضله به عنوان جامعه آرمانی خود سخن می‌گوید که رهبری آن به دست فرد یا افرادی است که مجموعه‌ای از فضائل مطلوب را دارند (جمشید نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶۸). ابن سینا همچون فارابی، انسان را مدنی بالطبع می‌داند به این دلیل که تأمین نیازمندی‌های آدمی را جز با تجمع و گرد آمدن با دیگران امکان‌پذیر نمی‌داند. وی تعلیم و تربیت را امری صرفاً فردی نمی‌داند بلکه برای آن صبغه‌ای اجتماعی قائل است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۲۷۲-۱۶۸). از نظر امام محمد غزالی، انسان موجودی مدنی بالطبع است که برای رسیدن به کمال، ناگزیر از معاشرت با دیگران است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷: ۲۷۲-۱۶۸). ابن خلدون اجتماعی بودن انسان را برای رسیدن به نیازمندی‌های خود ضروری می‌داند. وی در این باره بیان می‌دارد انسان سرشت مدنی دارد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۷۹-۷۷).

امروزه تربیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از ساحت‌های نظام تربیتی جوامع مورد توجه است. از آنجاکه تربیت اجتماعی با حقوق، وظایف و مسئولیت افراد و تعامل با نهادهای رسمی و مهارت‌های ارتباطی بین افراد جامعه و سازوکارهای تعاملات بین‌المللی ارتباط دارد و رفتارها و هویت اجتماعی افراد یک جامعه، بخشی از فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود؛ بنابراین توجه و اهمیت بسزایی در نظام تعلیم و تربیت یک کشور دارد. کوتاهی در توجه به این ساحت تربیت می‌تواند بنیان اجتماعی یک جامعه را در قالب آسیب‌های اجتماعی متزلزل و در نهایت تخریب کند. در سند تحول، تربیت اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از ابعاد مهم وجودی انسان، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند تا در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. این ساحت تربیتی بر مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان در جامعه تأکید دارد (سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۰۴). بر اساس سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت ایران، تربیت‌یافتگان، شهروند جامعه صالح می‌شوند که شایستگی‌هایی را در ابعاد فردی و اجتماعی کسب نموده‌اند و در جامعه صالح

نقش آفرینی می‌کنند. بُعد اجتماعی حیات طیبه در مفهوم «جامعه صالح» تجلی می‌یابد. جامعه صالح در نگرش اسلامی، اجتماعی است که بر روی آوردن به خدا در حالت تسلیم و رضا استوار می‌شود نه بر روابط نژادی، خویشاوندی یا قبیله‌ای، روابط انتفاعی و ستمگرانه یا روابط قراردادی که رویکرد استخدای دارد و بر منفعت‌های یک طرف یا دو طرف قرارداد متکی است. در جامعه صالح ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا (پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی) معطوف است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۳۳)؛ بنابراین آنچه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران در ساحت تربیت اجتماعی برای نظام خود ترسیم می‌کند، کسب شایستگی‌هایی در متربیان است که بر اساس این شایستگی‌ها، فضیلت‌ها و ارزش‌های فردی و جمعی خانواده‌ها و جوامعی صالح تشکیل شود که در رسیدن به مراتبی از حیات طیبه در این جهان اهتمام و سعی بلیغ داشته باشند.

پیشینه پژوهش

در زمینه نقد تربیت اجتماعی در سند، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

هاشمی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «تبیین مبانی تربیت سیاسی - اجتماعی سند تحول بنیادین در اندیشه‌های دیوبندی و مطهری به منظور تدوین الگوی شهروندی برای آموزش و پرورش» انجام داد. یافته‌ها نشان داد که اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی مطهری و جان دیوبندی دلالت‌های مهمی در تدوین الگوی شهروندی برای آموزش و پرورش دارد.

یوسف زاده چوسری و شاه‌مرادی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد مبانی فلسفی برنامه درسی، تربیت سیاسی - اجتماعی رئالیسم اسلامی و ساختار مفهومی برنامه درسی تربیت سیاسی - اجتماعی شامل عدالت، عزتمندی، قانون‌مداری، انتخاب، مسئولیت‌پذیری، شناسایی وظایف نهادهای سیاسی، مشارکت و میهن‌دوستی در تربیت سیاسی، تفسیری و انتقادی است.

کمال پور، هاشمی و نجاتی حسینی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» انجام دادند. نتایج حاصل از تحلیل اسناد نشان می‌دهد که هر دو سند، رسیدن به قرب الهی را هدف غایی آرمان تربیت می‌دانند. مقوله استخراجی شهروند دین‌دار در محورهای دینی (اعتقادی و عبادی) و مقوله شناختی (ارزشی، اخلاقی، علمی و فرهنگی) در هر دو سند این سنخیت را نشان می‌دهد؛ اما در بررسی مقوله شهروند اجتماعی با محورهای مورد بررسی (منفعت اجتماعی، مشارکت اجتماعی - سیاسی، نقش آفرینی مجزای اجتماعی و منشأ رشد اجتماعی) مسیر متفاوتی برای رسیدن به هدف معرفی می‌کنند. بر اساس این نتایج، سند تحول دستیابی به ایده‌آل‌های شهروند مطلوب را در اولویت دادن به اراده فردی می‌بیند؛ درحالی‌که سند چشم‌انداز ضمن در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، نقطه آغاز تربیت شهروندی را ایجاد ساختار مناسب و قرار گرفتن افراد در این نهادها برای فراگیری الگوهای رسمی نظام حاکم تدوین می‌کند.

مظاهری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مقایسه مبانی ارزش شناختی فلسفه تربیتی پراگماتیسم با مبانی ارزش شناختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» نشان داد در نگاه اسناد تحولی، اعتبار ارزش‌ها بر قرب الهی وابسته است. ارزش‌ها به غایی و ابزاری تقسیم می‌شوند و تعیین مراتب آن، بر اساس غایت زندگی است. معیار تعیین ارزش در دیدگاه اسناد تحولی مبتنی بر سه معیار دین، عقل و فطرت است و در بحث متافیزیک، دستیابی به مراتبی از حیات طیبه محور زندگی است.

صحبت لو (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقد مبانی فلسفی آموزش و پرورش ایران درباره انسان فرهیخته بر اساس دیدگاه ابن‌سینا» نشان داد که انسان فرهیخته سینوی در ویژگی‌ها و مختصات نظیر داشتن نگرش غیر ابزاری به دانش، حرفه گرایی و فراگیری شغل، ابعاد تربیت، مراحل تربیت، دانش و معلومات، عقلانیت، تفکر انتقادی، جامعیت و یکپارچگی، متمایز از انسان فرهیخته سند آموزش و پرورش است. در نظام تربیتی سینوی، تربیت عرفانی (کشف و شهود) نقش برجسته‌ای دارد. در تربیت انسان فرهیخته سینوی، اهداف واسطه‌ای به وضوح مشخص و قابل تحقق است. ابن‌سینا به انسان بیشتر از زاویه عقل می‌نگریسته و گوهر انسان را همان عقل او می‌دانسته در نتیجه، انسان تربیت یافته در نظام تربیتی سینوی عقل‌گرا و انسان فرهیخته سند، واقع‌گرا است. در نظام تربیت سینوی، اهداف زیستی - جسمانی، اعتقادی - اخلاقی، فرهنگی - هنری (موسیقی و ادبیات عرفانی)، عقلانی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان اهداف واسطه‌ای (میانی) در تربیت انسان فرهیخته

مورد توجه قرار گرفته است. در سند، ساحت‌های شش‌گانه اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و بدنی، زیباشناختی و هنری، اقتصادی و حرفه‌ای و علمی و فناوری، جهت رسیدن به حیات طیبه به‌عنوان اهداف میانی در نظر گرفته شده است. در هر دو دیدگاه اهداف اعتقادی، عبادی و اخلاقی، اجتماعی، زیستی و جسمانی و هنری مورد توجه بوده است.

غنی‌لو و شریفی (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی اجتماعی سند تحول بنیادین از منظر اندیشه اجتماعی مطهری» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد فطرت، مهم‌ترین عامل در تربیت سیاسی - اجتماعی دانش‌آموزان در اندیشه مطهری و سند است. قرآن کریم نیز الگوی یک شهروند سیاسی را در شش اصل کلیدی می‌داند که عبارت‌اند از فطرت، عقلانیت، عدالت، کرامت، اختیار و مسئولیت. هدف از تربیت اجتماعی را جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان می‌داند که در تحقق این مهم، عوامل متعددی از جمله خانواده، گروه همسالان، رسانه‌ها و مهم‌تر از همه، مدارس و معلمان تأثیرگذار هستند.

فاتحی ابراهیم‌آبادی، شمس‌آبادی و درخشان فر (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «بررسی تربیت سیاسی - اجتماعی و معلم بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که تربیت سیاسی - اجتماعی به‌عنوان یک ساحت تربیتی در تعلیم و تربیت، متریبان را قادر می‌سازد به‌عنوان شهروندی فعال و آگاه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند.

عابدی و نیلی احمدآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی» نشان دادند که روابط خانوادگی سالم، نظم، تولی و تبری، ایثار، تعاون ملی و همبستگی فراملی، احترام و مراعات حقوق و مسئولیت‌پذیری از منظر علامه ابعاد گسترده‌تری دارد. البته جهت‌گیری تربیت اجتماعی ایران در نیز حال بهبود و تعمیق بیشتر است. هدف سعه‌صدر در کنار هدف مقاومت در برابر تبلیغات سوء، با دیدگاه علامه مطابقت دارد و بالأخره دو هدف (امربه معروف و نهی از منکر و ایجاد روحیه برابری) در تربیت اجتماعی ایران، به‌عنوان هدف و در آرای علامه، به‌عنوان روش مطرح می‌گردد. نکته قابل ذکر آنکه تعاون، برابری و همبستگی در نظام آموزشی ایران به‌عنوان یک هدف مطرح می‌شود.

ترکاشوند (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» نشان داد که در گزینش واژه‌ها و مفاهیم کلیدی سند تحول، یک جامعه آرمانی

با ویژگی‌های نظام معیار اسلامی و حیات طیبه طراحی شده است. این واژه‌ها که از قرآن و متون فلسفی اسلام و شیعه گرفته شده است و نیز این کلیدواژه‌ها، گویای رمز تصویب و تأیید سند تحول است و نه احتمالاً راهگشای نظام آموزش و پرورش ایران که باید پیوسته مورد بازبینی و اصلاحات قرار گیرد. در مبانی نظری انسان‌شناختی، نگاه به انسان فقط معطوف به نگرش اسلامی شده است در حالی که امروزه هویت انسان معاصر به سمت جهانی شدن حرکت می‌کند و نیازمند نظر جامع‌تری در مورد انسان هستیم.

احمدی هدایت (۱۳۹۲) پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبیین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس آرای تربیتی ژان پیاژه» انجام داد. نتایج نشان داد در ارکان تربیت بین سند تحول و آرای پیاژه انطباق و هم‌خوانی وجود دارد. در اصول تربیت، بین دیدگاه پیاژه به جز اصل اول که او فقط بر مسائل این جهان توجه نموده است، در بقیه موارد انطباق کامل با سند تحول مشاهده گردید. در اهداف تربیت، بین سند تحول و آرای پیاژه در مقوله‌های پرورش شخصیت و شکوفاساختن آن و تفاهم و دوستی و صلح بین‌المللی، انطباق کامل مشاهده شد.

مطالعه پژوهش‌های داخلی در این زمینه نشان می‌دهد تحقیقی با ویژگی‌های این پژوهش انجام نشده است. تنها پایان‌نامه‌های هاشمی (۱۳۹۹) و غنی‌لو و شریفی (۱۳۹۵) که در پی تبیین تربیت اجتماعی - سیاسی سند بر اساس آرای تربیتی اندیشمندان مسلمان بودند، به‌نوعی با این پژوهش مرتبط هستند. سایر تحقیقات بر موضوعات خاصی همچون تبیین مبانی نظری سند و بررسی سند تحول از منظر اجتماعی تمرکز دارند و هیچ‌کدام به تحلیل تربیت اجتماعی سند بر اساس مبانی تربیت اجتماعی فارابی نپرداخته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر رویکرد، کیفی و از نظر نوع روش تحقیق، تحلیلی - استنباطی است. رویکرد کیفی برای درک و تبیین پدیده‌ها از داده‌های کیفی استفاده می‌کند و اغلب در پی شناخت معانی، مفاهیم، توضیحات و ویژگی موضوع مورد مطالعه است (دلاور، ۳۰۸:۱۳۸۹). تحلیلی استنباطی بودن روش تحقیق نیز از آن‌رو است که پژوهشگران تحقیق حاضر با استفاده از برداشت‌ها و تفسیرهای خود در پی بیرون آوردن مبانی تربیت اجتماعی از سند و استنتاج دلالت‌های تربیتی از مبانی و تحلیل مبانی تربیت اجتماعی سند بر اساس مبانی تربیت اجتماعی

فارابی برآمده‌اند. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. ابزار پژوهش نیز برگه‌های فیش - برداری است. نمونه پژوهشی کتاب شامل مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، منابع دست اولی فارابی در زمینه مبانی اجتماعی تربیت، کلیه گزارش‌های تحقیقاتی، مقالات منتشر شده به صورت مکتوب و الکترونیکی و منابع موجود مرتبط با موضوع در اینترنت است. در اسناد، تحلیل مفهومی محتوا، روش تحلیل اطلاعات بوده است. هدف روش «تحلیل مفهومی» یا تحلیل فلسفی، فهم و بهبود بخشیدن به مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی است که حسب آن، تجربه را تفسیر، مقاصد را بیان، مسائل را ساختار بندی و پژوهش‌ها را اجرا می‌کنیم (کومبز^۱ و دانیلز^۲، ۱۹۹۱:۴۳). در سؤال اول و دوم ابتدا با روش تحلیل مفهومی اسناد، مبانی تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین و منابع اجتماعی فارابی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفت که پس از مشخص شدن و تبیین مبانی تربیت اجتماعی در سند و فارابی، دلالت‌های تربیتی از مبانی اجتماعی سند و فارابی استنتاج گردید. در سؤال سوم نیز مبانی تربیت اجتماعی سند بر اساس مبانی اجتماعی فارابی مورد تحلیل قرار گرفت. این تحقیق به سؤالات ذیل خواهد پرداخت:

۱. مبانی تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دلالت‌های تربیتی آن کدام است؟
۲. مبانی تربیت اجتماعی و دلالت‌های تربیتی آن در اندیشه‌های اجتماعی فارابی کدام است؟
۳. تحلیل تربیت اجتماعی سند تحول بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی چگونه است؟

یافته‌ها

سؤال اول: مبانی تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دلالت‌های تربیتی آن کدام است؟

در سند تحول بنیادین مهم‌ترین مبانی تربیت اجتماعی بر حسب موضوع در چهار مبنای به شرح ذیل طبقه‌بندی شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰:۴۸):

مبنای هستی‌شناختی: در سند تحول، مقصود از مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی، بخشی از

تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی / ۲۲۵

گزاره‌های توصیفی - تبیینی درباره خداوند، هستی و اجتماع است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی به‌طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹). در جدول زیر به شکل نظام‌مند مبنای هستی‌شناختی اجتماعی تربیت آمده است:

جدول ۱. مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی در سند

تبیین مبنای هستی‌شناختی	استخراج مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی از سند
بر اساس این مبنا از انسان خواسته شده که محیط خویش را فارغ از پندارها به شکل واقعی بشناسد.	جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست (سند، ص ۴۹).
خداوند غایت هستی و اجتماع است.	آفرینش جهان هستی، غایت‌مند و خداوند غایت همه موجودات در جهان هستی است (سند، ص ۵۲).
رابطه خدا با جهان آفرینش و اجتماع، رابطه خالقیت، ربوبیت، مالکیت و رحمت است.	خداوند مبدأ و منشأ جهان و یگانه مالک، مدبّر و رب حقیقی همه موجودات عالم است (سند، ص ۵۰).
بر اساس این بند از مبنا، انسان به طبیعت‌شناسی دعوت شده است تا از این طریق آدمی در اجتماع، آیات الهی را بنگرد و به صاحب آیات برسد.	جهان آفرینش نظامی یکپارچه دارد و سراسر آن آیت، نشانه علم و قدرت و حکمت و مهر نامتناهی خداوند است (سند، ص ۵۵).
تمام موجودات در اجتماع در ذات خود در حرکت‌اند و سیر تکاملی خود را در حرکت مداوم به سوی کمال مطلق (خدا) طی می‌کنند.	عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همواره در حال شدن، دگرگونی و حرکت مداوم‌اند (سند، ص ۵۶).

بنابراین مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی سند در مورد وجود خداوند و اینکه هستی از اوست، به سوی اوست، علت وجود هستی و باقی‌نگه‌دارنده آن است، بحث می‌کند. همچنین ذکر عبارت «بازگشت همه به سوی خداست» و معاد، حاکی از غایت‌مندی هستی و اجتماع است. بر اساس این مبنا، جهان هستی آیه و نشانه‌ای است که وجود خدا را نشان می‌دهد، پس انسان از طریق وجود این آیات الهی در اجتماع به سوی کمال مطلق (خدا) حرکت می‌کند.

مبنای انسان‌شناختی: مراد از مبنای انسان‌شناختی تربیت اجتماعی در سند، آن دسته از

گزاره‌های توصیفی است که از تعالیم اسلامی، معارف اصیل اسلامی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان و اجتماع یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی (علم‌النفس فلسفی) استخراج شده‌اند (سند تحول بنیادین، ۵۷:۱۳۹۰). در جدول زیر به شکل نظام‌مند مبنای انسان‌شناختی اجتماعی تربیت آمده است:

جدول ۲. مبنای انسان‌شناختی تربیت اجتماعی در سند

تبيين مبنای انسان‌شناختی	استخراج مبنای انسان‌شناختی تربیت اجتماعی از سند
انسان و اجتماع ارتباط تنگاتنگ و عمیقی دارند.	انسان موجودی اجتماعی است که وجود آدمی تا حدی قابل توجه، از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (سند، ص ۷۰).
آدمی خواهان کمال مطلق است. حرکت در این مسیر، از کمالات طبیعی در اجتماع آغاز می‌گردد.	انسان حسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است (سند، ص ۵۹).
قوانین و سنت‌های اجتماعی، بخشی از طرح خلقت و سنن الهی در زندگی آدمی است.	سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است (سند، ص ۶۱).
کرامت اکتسابی انسان در اجتماع، در پرتو ایمان، عمل صالح و تقوا به دست می‌آید.	انسان هم کرامت ذاتی دارد و هم می‌تواند کرامتی اکتسابی به دست آورد (سند، ص ۶۱).
در اجتماع، همه انسان‌ها صاحب حقوق و تکالیفی عادلانه هستند.	همه انسان‌ها، حسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند (سند، ص ۶۳).
در اجتماع توجه به تفاوت‌های فردی ضروری است.	انسان‌ها، ضمن داشتن طبیعت و فطرت مشترک، خصوصیات متفاوت دارند (سند، ص ۶۷).
وجه جمعی، هویت ناظر بر بعد مشترک زندگی آدمی با دیگر انسان‌ها در اجتماع است.	هویت دو وجه فردی و جمعی دارد و در انواع و جنبه‌های مختلف قابل تحقق است (سند، ص ۷۳).

بر اساس این مبنا، انسان موجودی اجتماعی معرفی شده است که هویت جمعی او تا حد قابل توجهی در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود؛ یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد و حتی انسان می‌تواند با

شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، تأثیر مناسبی بر نظام اجتماعی بگذارد و جویای همه مراتب کمالش در اجتماع باشد. در این راستا، انسان‌ها با آگاهی نسبت به سنن تاریخی و تیزبینی در شناخت بافت جوامع، تفسیر حوادث تاریخ، آشنایی با سرگذشت پیشینیان و روشن بینی نسبی به نهادها، گرایش‌ها، سنن اجتماعی و عوامل شکل‌دهنده هر جامعه، می‌توانند با اقدامات متناسب و به موقع، در تحولات اجتماعی ثمربخش باشند.

مبنای معرفت‌شناختی: منظور از مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی در سند، بخشی از گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و واقعیت‌های اجتماعی او با توجه به مبانی اسلامی و مباحث فلسفی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۷). در جدول زیر به شکل نظام‌مند مبنای معرفت‌شناختی اجتماعی تربیت آمده است:

جدول ۳. مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی در سند

تبیین مبنای معرفت‌شناختی	استخراج مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی از سند
انسان از توانایی دست‌یابی به واقعیت‌های اجتماعی از طریق شناخت خود و اجتماع برخوردار است.	انسان نسبت به شناخت اجتماع و درک موقعیت خود و دیگران در اجتماع توانایی دارد (سند، ص ۷۸).
لذا تعقل مهم‌ترین فعالیت آدمی جهت کسب معرفت و واقعیت در اجتماع است.	انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، توانایی تعقل (عقل ورزی) دارد که در شناخت حقیقت اجتماع و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد (سند، ص ۸۵).
حواس، عقل، شهود و مکاشفه، وحی و الهام از ابزارهای گوناگون انسان برای دست‌یابی به معرفت در اجتماع هستند.	آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق اجتماع، باید از همه آن‌ها بهره بگیرد (سند، ص ۸۲).
محدودیت‌های ذاتی عقل، لجاجت، سطحی‌نگری، ملاحظات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نحوه و قضاوت جامعه علمی نسبت به نظریات مطرح‌شده در اجتماع در زمینه واقعیت‌ها است.	شناخت واقعیت توسط آدمی در اجتماع با موانع و محدودیت‌هایی همراه است (سند، ص ۸۶).

مبنای ارزش‌شناختی: مقصود از مبنای ارزش‌شناختی تربیت اجتماعی در سند تحول، «مباحثی درباره ماهیت ارزش‌ها در اجتماع، نحوه درک و اعتباربخشی و چگونگی تحقق آن‌ها در اجتماع بر

اساس نظام معیار مقبول در جامعه اسلامی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۸۷). در جدول زیر به شکل نظام‌مند مبنای ارزش شناختی اجتماعی تربیت آمده است:

جدول ۴. مبنای ارزش شناختی تربیت اجتماعی در سند

تبيين مبنای ارزش شناختی	استخراج مبنای ارزش شناختی تربیت اجتماعی از سند
ماهیت ارزش‌ها در اجتماع یک امر واقعی است و روح رفتار اخلاقی و ارزشی، تابعه واقعیت‌های اجتماعی است.	اعتبار ارزش‌های حقیقی در اجتماع بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن تکیه دارد (سند، ص ۸۷).
سند، معیار تعیین ارزش‌ها را در اجتماع در درجه نخست، حسن و قبح عقلی و در موارد دیگر وحی، تعالیم دین و غایت زندگی (قرب الهی) معرفی کرده است.	اعتبار ارزش‌ها در اجتماع هم از طریق عقل و فطرت انسانی و هم با مراجعه به نظام معیار دینی معلوم می‌گردد (سند، ص ۸۹).
در سند، ارزش‌ها از نظر اهمیت یکسان نیستند و از مراتب تشکیکی برخوردارند؛ اما ملاک مرتبه بندی آن‌ها نقشی است که در عرصه حیات اجتماعی انسانی ایفا می‌کنند.	ارزش‌ها انواع و مراتب مختلف دارند و به شکل سلسله‌مراتبی با غایت اصیل زندگی آدمی - یعنی قرب الی الله - ارتباط دارند (سند، ص ۹۰). سند در یک تقسیم اولیه، ارزش‌ها را به دو قسم ارزش‌های غایی و ابزاری تقسیم نموده است. هم‌چنین در بیان انواع ارزش‌ها می‌توان به ارزش‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، علمی، زیبایی شناختی هنری و اقتصادی اشاره کرد (سند، ص ۹۰).
مهم‌ترین مبنای ارزش‌شناسی در سند پیرامون غایت زندگی انسان «قرب الی الله و حرکت به سوی خدا» است. سند در این زمینه، نیل آدمیان به قرب الی الله را مستلزم تحقق اختیاری نوعی زندگانی شایسته انسان بر اساس نظام معیار دینی در قالب مفهوم حیات طیبه می‌داند.	حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی‌گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می‌سازند (سند، ص ۹۴).
کسب شایستگی‌های لازم برای تبدیل به فرد صالح در اجتماع، مهم‌ترین زمینه تحقق حیات طیبه است.	آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه، مهم‌ترین زمینه تحقق این نوع زندگانی است (سند، ص ۱۰۰).

تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی / ۲۲۹

تبیین مبنای ارزش شناختی	استخراج مبنای ارزش شناختی تربیت اجتماعی از سند
زیرا همواره ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، ثابت است.	عدالت، اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی است (سند، ص ۱۰۱).
به هر حال، تکمیل و اتمام روند تکوین و تعالی فرد و جامعه، در گرو آن است که علاوه بر عدالت، رأفت و احسان نیز در روابط بشری وارد گردد.	رأفت، احسان، گذشت و بخشش، مهم‌ترین ارزش‌های متمم عدالت هستند (سند، ص ۱۰۲).

بدون شک بر اساس مبنای ارزش شناختی تربیت اجتماعی سند، تحقق حیات طیبه والاترین ارزش محسوب می‌گردد.

مهم‌ترین زمینه تحقق حیات طیبه آن است که هر یک از افراد جامعه، آماده تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه شوند (بر اساس ایمان، انتخاب و التزام نظام معیار متناسب با این نوع زندگی برتر و مهیای انجام عمل صالح فردی و جمعی) تا این نوع آمادگی در کلیت جامعه ایجاد شود که جامعه صالح (اجتماع انسانی مطلوب بر اساس نظام معیار ربوبی) با وجود این آمادگی به آسانی تشکیل شود؛ لذا باید گفت ایجاد این گونه آمادگی در آحاد جامعه به لحاظ تکیه حیات طیبه بر وجود انسان‌هایی بامعرفت، ایمان و توانا در انتخاب، اراده خیرات و اهل عمل صالح فردی و جمعی و نیز دارای روابط جمعی بر اساس نظام معیار اسلامی در سطح اجتماعی، مهم‌ترین زمینه و عنصر اصلی واقعیت یافتن این نوع زندگی شایسته است.

استنتاج دلالت‌های تربیت اجتماعی از مبانی سند تحول بنیادین

مبنای هستی شناختی: یکی از مهم‌ترین دلالت‌های تربیتی در خصوص تربیت اجتماعی که از مبنای هستی شناختی سند قابل استنتاج است، تدوین هدف غایی تربیت اجتماعی برای دستگاه تعلیم و تربیت است. بر اساس این مبنا، هدف غایی و نهایی از تربیت اجتماعی دانش‌آموزان، قبول ولایت خداوند و اولیای خدا، پذیرش توحید ربوبی، تن ندادن به حاکمیت غیر الهی و وصول به قرب الی الله است (سند، ۹۵:۱۳۹۰). مسیر رسیدن دانش‌آموزان به این هدف غایی، تربیت دانش‌آموزان حقیقت‌مدار، عقل‌گرا، عدالت‌محور، قانون‌گرا، مسئولیت‌پذیر، اجتماعی و مهرورز است (سند، ۹۶:۱۳۹۰). بی‌شک التزام همیشگی متعلمان به این مؤلفه‌ها در ساختارهای اجتماعی و

روابط جمعی و اعمال ارتباطی، زمینه پیشرفت مداوم جامعه صالح را فراهم می‌آورد. با شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن، هدف غایی تربیت اجتماعی (به قرب الی الله) محقق خواهد شد.

بر اساس تعریف سند از تربیت، اساساً تربیت عمل اجتماعی هدفمندی تلقی می‌شود که در آن، زمینه‌سازی برای هدایت همه افراد جامعه از طریق برقراری رابطه تعاملی بین مربیان و متربیان، علاوه بر حصول وضع مطلوب برای متربیان و غایت و اهداف فردی و اجتماعی ایشان در راستای پژوهش غرض معین دیگری - یعنی شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن - توسط نظام اجتماعی صورت می‌پذیرد که جنبه اجتماعی فرایند تربیت به شمار می‌آید (سند، ۱۳۹۰:۱۴۴). هم‌چنین مهم‌ترین مظاهر توجه به جنبه اجتماعی تربیت، توجه به ابعاد جمعی هویت و بعد اجتماعی حیات طیبه (شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن)، تأکید بر لزوم کسب شایستگی‌های جمعی توسط متربیان (علاوه بر شایستگی‌های آن) و توجه به نقش عوامل و نهادهای سهیم و مؤثر اجتماعی در فرایند تربیت است؛ همچنان که در تبیین چرایی تربیت نیز به نتیجه اجتماعی تربیت، رشد و تعالی ظرفیت‌های وجودی افراد جامعه (سرمایه انسانی جامعه) و گسترش و ارتقای تجارب متراکم بشری (سرمایه فرهنگی، معنوی و اجتماعی جامعه) توجه شده است (سند، ۱۳۹۰:۱۴۴). پس بر اساس مبنای هستی‌شناختی، تربیت اجتماعی یعنی آماده شدن افراد جامعه برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در ابعاد اجتماعی که تنها با تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد جامعه بر اساس نظام معیار اسلامی در راستای تشکیل جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر همین اساس محقق می‌شود.

تعیین هدف کلی تربیت اجتماعی یکی دیگر از دلالت‌های تربیتی استنتاج‌شده از مبنای هستی‌شناختی است. بر اساس این مبنای، هدف کلی از تربیت اجتماعی، آمادگی متربیان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی است (سند، ۱۳۹۰:۱۵۲). اما این آمادگی نیز در صورتی محقق خواهد شد که همه مؤلفه‌ها و ابعاد هویت متربیان به شکلی یکپارچه در راستای شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی تکوین و به‌طور پیوسته تعالی یابد.

مبنای انسان‌شناختی: بر اساس این مبنای، اجتماع و جامعه به‌عنوان محیط تربیتی متربیان به حساب می‌آید (سند، ۱۳۹۰:۷۰). نهادهای اجتماعی با آموزش مستقیم و غیرمستقیم ارزش‌های اجتماعی از

قبیل تعاون و نیکوکاری، احسان و رأفت، عدالت اجتماعی، اخوت، رعایت حقوق مردم، ظلم‌ستیزی، دفاع و جهاد، ایثار، اطاعت از قوانین و حسن معاشرت (سند، ۱۳۹۰: ۷۵) به متریان، زمینه نیل به سعادت را در آنان فراهم می‌سازند. در راستای تربیت اجتماعی بر اساس این مبنا، بایستی از طریق برنامه‌های درسی آشکار و پنهان در مدارس آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی به دانش‌آموزان منتقل گردد (سند، ۱۳۹۰: ۱۵۵) و تأکید گردد که در بازشناسی، حفظ و اصلاح آن‌ها تلاش نمایند. همچنین به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذار بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی، درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی بر اساس نظام معیار اسلامی، از ابتدا به دانش‌آموزان آموزش داده شود و به منظور تشکیل خانواده، حفظ و تداوم آن، به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق‌بخش جامعه صالح بر اساس ارزش‌های نظام معیار اسلامی، آمادگی لازم در متریان ایجاد گردد (سند، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

یکی دیگر از دلالت‌های تربیتی استنتاج‌شده از مبنای انسان‌شناختی، استخراج ویژگی‌های تربیت اجتماعی است که ویژگی فراگیری تربیت اجتماعی نسبت به آحاد جامعه از اهم آنان است (سند، ۱۳۹۰: ۲۴۰). همه انسان‌ها در آفرینش برابرند (فطرت و طبیعت مشترک دارند) و در امکان کسب ارزش‌های مشترک انسانی شبیه هم هستند؛ لذا تربیت باید حدی از ارزش‌های مشترک را در ساحت وجودی همه انسان‌ها محقق سازد. این مفهوم، همان شمول اجتماعی تربیت رسمی و عمومی است (سند، ۱۳۹۰: ۲۴۰). این ویژگی ناظر به هدف مهم ایجاد وحدت ملی و انسجام اجتماعی در آحاد اجتماع نیز هست؛ لذا دولت‌ها موظف‌اند ترتیبی وحدت‌آفرین ارائه دهند، به‌گونه‌ای که افراد، گروه‌ها، صاحبان خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف بتوانند در چارچوب واحدی به نام ملت و به‌طور مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند؛ بنابراین دولت‌ها برای اینکه بتوانند مجموعه‌ای از افراد متنوع را در چارچوب مرزهای خود با آرمان‌ها و ارزش‌های مشترک تحت عنوان ملتی واحد سامان دهند و هم‌جهت نمایند، ناگزیرند از نظام تربیتی واحدی بهره بگیرند. نظام تربیت رسمی و عمومی واحد، با نزدیک سازی زبانی و فرهنگی بین متریان و هم‌چنین ترویج روحیه بردباری، فرزندان اقوام و صاحبان خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متنوع در هر کشور را به شکل‌گیری، تثبیت و ارتقای فرهنگ و ارزش‌های مشترک به همدیگر نزدیک می‌کند و نتیجتاً بین افراد جامعه تحت عنوان ملت واحد، منجر می‌شود (سند، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل استنتاج از این مبنای، ویژگی حضور در حیات بالنده خانوادگی و اجتماعی است (سند، ۱۳۹۰:۲۴۷) که بر اساس این ویژگی، تربیت اجتماعی باید زمینه‌ساز کسب شایستگی‌هایی باشد که متریان بتوانند به مدد آن‌ها به صورتی فعال در عرصه‌های مختلف حیات خانوادگی و اجتماعی مداخله و مشارکت کنند. مفهوم اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران (که در بند ۱۲-۲-۱ مبنای انسان‌شناسی فلسفه تربیت به آن اشاره شد) در وجه جمعی و مشترک آن، مستلزم کسب شایستگی‌های متعدد، از جمله توانمندی شناخت و فهم شرایط اجتماعی، ارتباط فعال با دیگران، درک و حساسیت اخلاقی و ارزشی نسبت به مسائل، مواجهه خردمندانه با مسائل و مشکلات، نقد خود و دیگران و سازوکارهای اجتماعی، تحمل نقد و سعه صدر و مدارا است که افراد جامعه با استفاده از آن، پیوسته بر مبنای نظام معیار، وضع موجود را نقد می‌کنند و به اصلاح و بهبود آن همت می‌گمارند.

مبنای معرفت‌شناختی: سند تحول کسب معرفت و شناخت در اجتماع را محصول تقابل و تعامل استدلال عقلی، درک شهودی و مکاشفه، وحی و الهام و حواس می‌داند (سند، ۱۳۹۹:۷۷) که با توجه به ماهیت معرفت می‌توان از روش‌های فوق برای کسب معرفت استفاده کرد. در روش استفاده از حواس، سند بر این عقیده است که از طریق تجربه حضوری و حصولی، متریان می‌توانند پاره‌ای از حقایق را مستقیم و بدون میانجی و پاره‌ای دیگر را به شکل غیرمستقیم بشناسند و به آن‌ها علم پیدا کنند (سند، ۱۳۹۹:۷۸) یا در روش درک شهودی، متریان می‌توانند برخی از واقعیت‌ها را مانند معرفت به خود و توانش‌های درونی خود بدون واسطه و به شکل حضوری درک نمایند (سند، ۱۳۹۹:۸۲)؛ لذا این نوع معرفت‌شناسی مستلزم شکل ویژه‌ای از اهداف، اصول، معلم و شاگرد، برنامه درسی و ارزشیابی در تعلیم و تربیت به‌طور عام و به‌ویژه در تربیت اجتماعی به‌طور خاص است.

مروری بر معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی نشان می‌دهد که اصول تربیت اجتماعی تحت قاعده خاصی بیان می‌شود که می‌توان آن را دستورالعمل کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی، مخصوصاً تربیت اجتماعی استفاده کرد. این اصول با توجه به گزاره معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی عبارت‌اند از: توجه به روابط سازنده تربیتی و جامعه، فراهم ساختن زمینه خروج تربیتی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد، نگرستن به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به‌صورت دو عنصر مکمل، تأکید بر قانون‌مندی و قانون‌مداری، توجه به

شایستگی‌های پایه برای مشارکت فعال متریان در مدیریت زندگی اجتماعی، توجه به شایستگی‌های پایه و ویژه (با رویکرد نرم) برای تشکیل خانواده صالح به‌مثابه مؤلفه اساسی و تداوم‌بخش حیات جامعه صالح (سند، ۱۳۹۹: ۳۰۴).

در مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی سند، مقام معلم همچون مقام رسالت انبیا در نظر گرفته شده است که موضوع کار او، پرورش انسان‌های کمال‌یافته موردنظر سند است؛ از این‌رو معلم باید به تاسی به روش کار حکیمان در ادای وظیفه خود بکوشد. سند در چرخش‌های تحول‌آفرین خود، از معلم به‌عنوان انتقال‌دهنده دانش، مربی و اسوه تربیتی و سازمان‌دهنده فرصت‌های تربیتی متنوع برای احیا و ارتقای مراتب حیات طیبه متریان و هم‌چنین به‌عنوان مجری تصمیمات برنامه درسی، به معلم تصمیم‌ساز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی یاد می‌کند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

مبنای ارزش‌شناختی: بر طبق این مبنا، ارزش‌ها در اجتماع و تربیت اجتماعی از نظر اهمیت یکسان نیستند و مراتبی تشکیکی دارند؛ اما ملاک مرتبه بندی آن‌ها نقشی است که در عرصه حیات اجتماعی انسان ایفا می‌کنند. ارزشی که نگاهش تنها به حیات دنیوی یک نفر باشد، در مقایسه با ارزشی که به حیات جمعی انسان‌ها نظر دارد در مرتبه پایین‌تری قرار دارد. به این منوال، ارزش‌ها هرچه مطلوبیت اساسی‌تری در پی داشته باشند، جایگاه و مرتبه آن‌ها در اجتماع، بالاتر و مهم‌تر خواهد شد (سند تحول، ۱۳۹۰: ۹۱).

در سند، یکی دیگر از دلالت‌های تربیتی مهم در زمینه تربیت اجتماعی بر مبنای بُعد ارزشی این است که در تربیت اجتماعی متریان، غایت زندگی (قرب الی الله) در واقع همان ارزش نهایی است که منشأ تمامی ارزش‌های دیگر است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۹۱)؛ بنابراین تنها با توجه به غایت زندگی است که می‌توان فهرست ارزش‌های معتبر را در اجتماع مشخص و میزان ثبات، دوام و اطلاق هر یک از ارزش‌ها را تعیین کرد. همچنان که بر اساس همین معیار نهایی، رابطه ارزش‌ها با یکدیگر را باید در سلسله‌مراتب ارزش‌ها معلوم کرد و نسبت ارزش‌ها را با شرایط و اقتضائات محیطی (اعم از محیط طبیعی و اجتماعی و شرایط مکانی و زمانی) و شرایط شخصی شناسایی نمود؛ لذا با توجه به وجود سلسله‌مراتب ارزش‌ها، این رتبه‌بندی را باید در ارزش‌گذاری امور و موضوعات در نظر گرفت (سند تحول، ۱۳۹۰: ۹۱).

بر این مبنا، برای دستیابی به غایت زندگی (قرب الی الله) و به هر یک از مفاهیم غایی

آفرینش انسان، باید تحقق حیات طیبه را به مثابه مقدمه‌ای ضروری و پیش‌نیاز به شمار آوریم. این‌گونه زندگانی در حقیقت، حاصل ارتقا و استعلای حیات طبیعی انسان با صبغه بخشی الهی به آن است که مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری با حقیقت هستی (ایمان به خداوند متعال) و تشدید رابطه با او در همه شئون اجتماعی زندگی بر طبق ایمان است. براین اساس، یکی از مشخصات اصلی حیات طیبه تکیه بر ارزش غایی زندگی (قرب الی الله) و نظام معیار متناسب با آن در اجتماع است (سند تحول، ۱۳۹۰:۹۳)؛ لذا با عنایت به غایت جریان تربیت در دیدگاه اسلامی، یعنی آماده شدن متریان برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد خانوادگی و اجتماعی و نیز با توجه به اصل عقلانی تناسب بین وسیله و هدف لازم، است فضاهای تربیتی و به‌خصوص، مدرسه و زندگی مدرسه‌ای که در واقع زمینه اجتماعی سامان‌یافته‌ای برای تحقق حیات طیبه است، از ویژگی‌های جمعی حیات طیبه برخوردار باشد تا به مثابه کانون تجلی‌بخش حیات طیبه، امکان تجربه این نوع زندگانی را برای همه متریان فراهم آورد.

بر اساس سند، مؤثرترین بستر تحقق حیات طیبه در بُعد اجتماعی، آن است که جامعه به لحاظ حیثیت جمعی خود (روابط و اوصاف متکی بر جمع) آماده تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه شود (سند، ۱۳۹۰:۱۲۴). هرچند شکل‌گیری حیات طیبه، صرفاً در پرتو مشیت الهی و با استمداد از عنایات او امکان‌پذیر است. حیات طیبه را خدای متعال به انسان‌های باایمان و عمل صالح ارزانی می‌دارد؛ اما بر اساس سنت الهی، لزوم تهیه اسباب و علل تحقق این مهم، نیازمند تمهید انواع مقدمات و فراهم آوردن زمینه‌ها و شرایط مناسب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... برای آن است که مداخله مؤثر فردی و اجتماعی را جهت ایجاد مقتضیات و رفع موانع این نوع زندگانی شایسته و تشکیل جامعه صالح طلب می‌کند (سند، ۱۳۹۰:۱۲۴). پس غایت تربیت اجتماعی در جامعه صالح، وصول انسان به جایگاه شایسته خود (قرب الی الله) است. سند تحول در فرایند تربیت اجتماعی در خصوص چگونگی وصول انسان به جایگاه شایسته خود در هستی (غایت تربیت اجتماعی) می‌گوید که باید در مسیر قرب الی الله، افراد جامعه را جهت تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد اجتماعی، بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی آماده ساخت تا زمینه اصلی شکل‌گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح بر همین اساس فراهم شود. همچنین باید در راستای تحقق حیات طیبه، زمینه‌های لازم را جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت جمعی افراد جامعه، به‌منظور شکل‌گیری و تحول مداوم جامعه‌ای صالح بر اساس نظام معیار اسلامی، فراهم

تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی / ۲۳۵

آورد (سند، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

جدول ۵. خلاصه یافته‌های مبانی اجتماعی و دلالت‌های تربیتی آن در سند تحول بنیادین

مبانی اجتماعی سند	دلالت‌های تربیتی آن
مبنای هستی‌شناختی (بحث در مورد خداوند، جهان و اجتماع)	استنتاج هدف غایی تربیت اجتماعی: وصول به قرب الی الله از طریق شکل‌گیری جامعه و مدرسه صالح. استنتاج هدف کلی: تربیت متریبان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی.
مبنای انسان‌شناختی (بحث در مورد درباره واقعیت وجود انسان، اجتماع و تربیت اجتماعی)	اجتماع و جامعه به‌عنوان محیط تربیتی متریبان. انتقال آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی به دانش‌آموزان. استنتاج ویژگی فراگیری تربیت اجتماعی نسبت به آحاد جامعه. استنتاج ویژگی حضور در حیات بالنده خانوادگی و اجتماعی.
مبنای معرفت‌شناختی (بحث در مورد روش‌های کسب معرفت در اجتماع)	کسب معرفت و شناخت در اجتماع از طریق تقابل و تعامل استدلال عقلی، درک شهودی و مکاشفه، وحی و الهام و حواس. استنتاج اصول تربیت اجتماعی. استنتاج ویژگی‌های معلم و برنامه درسی در ساحت تربیت اجتماعی. کسب شایستگی‌هایی اساسی در اجتماع که متریبان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند.
مبنای ارزش‌شناختی (بحث در مورد ماهیت ارزش‌ها در اجتماع)	سلسله‌مراتبی بودن ارزش‌ها در اجتماع. مطلوبیت ارزش‌های جمعی نسبت به ارزش‌های فردی در اجتماع. تکیه بر ارزش غایی زندگی (قرب الی الله) و نظام معیار متناسب با آن در اجتماع. شناسایی نسبت ارزش‌ها با شرایط و اقتضانات محیطی (اعم از محیط طبیعی، اجتماعی، شرایط مکانی و زمانی) و شرایط شخصی. دستیابی به ارزش‌نهایی (قرب الی الله) از طریق جامعه و مدرسه صالح حیات طیبه.

سؤال دوم: مبانی تربیت اجتماعی و دلالت‌های تربیتی آن در اندیشه‌های اجتماعی فارابی کدام است؟

مبنای هستی‌شناختی: فارابی در مبنای هستی‌شناختی اجتماعی خود به متافیزیک و بحث‌هایی درباره شناخت خدای متعال از طریق مدینه فاضله و عقل پرداخته است (جمشید نژاد، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

به نظر فارابی، موجود در اجتماع و جهان هستی یا واجب الوجود است یا ممکن الوجود و به جز این دو گونه، دیگر هیچ موجودی نیست (الفارابی، ۱۸۹۰:۵۷). فارابی در «آراء اهل المدینه الفاضله» می‌گوید: «خدای متعال واجب الوجود است (فارابی، ۱۳۶۱:۱۵)». چون ذات آفریننده متعال، کامل‌ترین موجود است، پس لازم می‌آید که شناخت ما نسبت به خداوند قادر از طریق جهان هستی، مدینه فاضله و عقل، به عنوان کامل‌ترین معرفت‌ها صورت گیرد (جمشید نژاد، ۱۳۸۸:۱۱۵). معلم ثانی در راستای شناخت خداوند از طریق مدینه فاضله ده عقل را مطرح می‌کند و عقل دهم را عقل فعال می‌نامد. فارابی در

«عیون المسائل» می‌گوید: «عقل فعال از جهتی سبب وجود نفوس ارضی و از جهت دیگر سبب وجود ارکان اربعه؛ یعنی آب، هوا، آتش و خاک است (الفارابی، ۱۳۲۵:۹)». فارابی معتقد است اگر نفس انسان متحد با عقل فعال باشد، این انسان به کامل‌ترین مراتب انسانیت و عالی‌ترین درجات سعادت در مدینه فاضله نائل آمده است (الفارابی، ۱۳۲۵:۵۰). فارابی فیلسوف غایت‌گرا است و در همه جا غایت‌القصوی و کمال مطلق را که همانا در وجود خداوند است در نظر می‌گیرد. این غایت‌انگاری در همه منظومه فکری او به‌ویژه از شکل‌گیری اجتماعات تا استقرار نظام سیاسی دیده می‌شود. معلم ثانی در فلسفه اجتماعی - سیاسی خود به چهار عنصر غایی کمال، سعادت، فضیلت و خیر پرداخته است (مهاجر نیا، ۱۳۹۳:۱۴۳).

مبنای انسان‌شناختی: فارابی در بحث انسان‌شناسی نظریه فطرت را بیان و در نهایت به طرح مدینه فاضله پرداخته است. فطرت در مدینه فاضله فارابی عامل اصلی تعیین‌کننده سلسله‌مراتب اجتماعی و گوناگونی‌ها است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷:۲۲۸). از نگاه فارابی، انسان موجودی مرکب از روح مجرد و جسم مادی و اجتماعی‌الطبع است و روحش اشرف از بدن اوست (الفارابی، ۱۹۷۱:۲۴). فارابی ضمن اینکه انسان‌ها را دارای فطرت مشترک می‌داند، از لحاظ استعداد بهره‌گیری از معقولات و نائل شدن به درجات برتر متفاوت می‌داند. او انسان کامل را فردی می‌داند که با عقل فعال متصل است. احکام و قوانین را از او گرفته، در جامعه پیاده می‌کند و از این طریق، انسان‌ها را بسته به استعدادشان به سمت کمال می‌کشاند (الفارابی، ۱۴۰۵:۱۳۷). معلم ثانی معتقد است که انسان برای رسیدن به سعادت و کمال به اجتماع نیاز دارد. وی ضرورت احتیاج انسان به اجتماع را این‌چنین تبیین می‌کند: «هر یک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود، محتاج به اموری بسیارند که هر یک

به تنهایی نتواند متکفل انجام همه آن امور باشند، بلکه در انجام آن احتیاج به گروهی بود که هر یک از آن‌ها متکفل امری از مایحتاج وی بود. هیچ فردی به کمالی که فطرت طبیعی برای او نهاده است، نمی‌رسد مگر به واسطه اجتماع» (فارابی، ۱۳۷۱: ۲۰۵).

مبنای معرفت‌شناختی: فارابی شریف‌ترین علوم در اجتماع را علم الهی می‌داند؛ زیرا موضوع و مبنای آن معرفت خداست (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۸). معلم ثانی در کتاب ارزشمند سیاست مدینه، انواع معرفت انسانی در اجتماع را به معرفت فطری، حسی، عقلانی و اشراقی تقسیم نموده است (فارابی، ۱۳۷۱: ۹۲-۸۵). معرفت فطری شامل اموری هستند که انسان‌های سلیم‌الذهن در اجتماع از آن آگاه‌اند. این معارف در اجتماع برای هر انسان از ابتدای عمر به نحو غریزی حاصل می‌شود (فارابی، ۱۳۷۱: ۸۲). در معرفت حسی، انسان در اجتماع از طریق حواس، معارف را تحصیل می‌کند (فارابی، ۱۳۷۱: ۳۸). فارابی سومین منبع شناخت در اجتماع را معرفت عقلی معرفی کرده است و می‌گوید: «نفس انسان صور محسوسات را به وسیله حواس و صور معقول را نیز به واسطه صور محسوس ادراک می‌کند (فارابی، ۱۳۷۱: ۳۸)». معرفت اشراقی - در مقابل معرفت مشایی که مبنای آن بر استدلال و منطق عقلی است - بر کشف و شهود و ذوق و عرفان مبتنی است. پس معرفت اشراقی که از طریق فیض الهی است، برای هر انسانی حاصل نمی‌شود، بلکه تنها نفوس زاکیه می‌توانند از این فیض بهره‌مند شوند (فارابی، ۱۳۷۱: ۱۲).

مبنای ارزش‌شناختی: سنگ بنا و محور همه فلسفه فارابی را می‌توان در بخش ارزش‌شناسی وی جست‌وجو کرد. در منظومه فکری فارابی، رساندن انسان به سعادت، غایت اجتماع است و مبحث سعادت به عنوان شاه‌بیت منظومه فلسفی فارابی، موضوع اصلی ارزش‌شناختی است (میرزا محمدی، ۱۳۹۳: ۵۰). فارابی در التنبیه (ص ۳۷ تا ۳۹) سعادت را غایتی مطلوب می‌داند که همه انسان‌ها مشتاقانه خواهان آن هستند و با تلاش خویش، به سوی آن حرکت می‌کنند. فارابی در کتاب احیاء العلوم، سعادت را به دو قسم دنیوی و قصوی تقسیم می‌کند (الفارابی، ۱۹۹۶ ب: ۸۰). از دیدگاه وی سعادت قصوی و حقیقی در این دنیا به دست نمی‌آید و تنها از طریق انجام کارهای خیر و متصف شدن به فضائل، بعد از مرگ و در حیات اخروی حاصل می‌شود (فارابی، ۱۹۹۶ ب: ۸۰). همچنین فارابی به سعادت اجتماعی در قالب مدینه فاضله توجه بیشتری نموده است. براین اساس فارابی، اندیشه تشکیل مدینه فاضل را مطرح کرد و خواستار نیل انسان به سعادت و خوشبختی در این مدینه شد. فارابی در توصیف مدینه فاضله می‌گوید: «مردمش به اموری

مشغول‌اند و به فضایی آراسته‌اند و هدفشان رسیدن به سعادت است و چنین جامعه‌ای را به بدن سالم تشبیه می‌کند و در ویژگی‌های زعیم مدینه فاضله، علاوه بر خصوصیات فیزیکی و اخلاقی والا، به عالی‌ترین درجه سعادت بشری اشاره می‌نماید؛ یعنی اتصال با عقل فعال و ارتباط با ملک وحی به گونه‌ای که بتواند مصالح و شرایع را به وضوح دریافت کند و در اختیار مردم قرار دهد» (الفارابی، ۱۹۷۱:۱۱۳). او بلافاصله اجتماع را مقید می‌کند و می‌گوید: «اجتماعی که تعاون در آن موجب نیل به سعادت است، همانا اجتماع فاضل است» (الفارابی، ۱۹۹۱:۱۱۸).

استنتاج دلالت‌های تربیت اجتماعی از مبانی اجتماعی فارابی

مبنای هستی‌شناختی: اجتماع ایده‌آل انسانی در اندیشه فارابی مدینه فاضله خوانده می‌شود (الفارابی، ۱۹۹۱:۱۱۸). بر اساس این مبنا، جهت‌گیری تعلیم و تربیت در اندیشه اجتماعی فارابی، هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله جهت دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت یعنی رسیدن به مقام قرب الهی است (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۲۷۲:۱۳۸۷). تربیت اجتماعی در بحث هستی‌شناختی، باید زمینه شناخت خداوند جهان را، از طریق زندگی در اجتماع و مدینه فاضله به شاگردان بدهد؛ بنابراین باید مجموعه‌ای از این معارف را در اختیار آنان بگذارد. برای درک آن معارف، نظام تعلیم و تربیت باید آمادگی‌های جسمی و روحی را در شاگرد ایجاد کند (ایمانی و بابایی، ۱۳۸۷:۸۹).

مبنای انسان‌شناختی: فارابی، انسان را موجودی مدنی‌الطبع و اجتماعی می‌داند که به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند و بالأخره باید به اجتماع بپیوندد (فارابی، ترجمه سجادی، ۱۳۷۹:۲۳۰). پس انسان برای ادامه زندگی به اجتماع نیازمند است که از طریق زیست گروهی، ابتدا حوائج اولیه و ضروری زندگی خود را برآورده ساخته و برای رسیدن به کمال در اجتماع تربیت شود. در این خصوص فارابی می‌گوید: «هیچ فردی به کمالی که فطرت طبیعی برای او نهاده است نمی‌رسد، مگر به واسطه اجتماع و تعاون در آن» (فارابی، ۲۰۵:۱۳۷۱). اما اجتماعی که انسان‌ها را به سعادت و کمال برساند، شالوده بحث انسان و تأثیر اجتماع بر او نزد فارابی را تعاون و همکاری میان افراد جامعه برای وصول به غایت واحد آن (سعادت) تشکیل می‌دهد. به همین دلیل فارابی در بحث انسان‌شناختی تعاون را همسنگ اصل اجتماع تلقی می‌کند. وی بر این باور است که انسان به تنهایی نمی‌تواند به ضروریات زندگی و کمال نهایی خویش برسد مگر آنکه برای او یاوران و همکاری‌ها

باشد که هر کدام عهده‌دار بخشی از نیازهای جمع باشند (مهاجر نیا، ۱۳۹۳: ۲۴).

مبنای معرفت‌شناختی: هدف اصلی تربیت اجتماعی بر مبنای معرفت‌شناختی، هدایت‌متری از مرحله عقل بالقوه به مرحله عقل مستفاد (نزدیک‌ترین مرتبه به عقل فعال) است تا او قابلیت کسب فیض را پیدا کند و به بالاترین کمال برسد (الفارابی، ۱۹۸۷: ۵۰). از نگاه فارابی نیل به سعادت به‌عنوان غایت کسب معرفت برای انسان در تربیت اجتماعی عبارت است از صعود انسان به سوی خالق جهان (الفارابی، ۱۹۸۷: ۴۵). در این مرحله، شخص هیچ غایتی را فراتر از نیل به خداوند در اجتماع، پیش روی خود نمی‌داند و در جست‌وجوی آن برنمی‌آید (الفارابی، ۱۹۸۷: ۵۷). پس در تربیت اجتماعی، بالاترین مرتبه معرفت در اندیشه فارابی، شناخت خداوند است. بر اساس این مبنا، ایجاد تحول در موقعیت اجتماعی به‌عنوان یکی از راه‌های کسب معرفت قابل‌استنتاج است که یاریگر انسان در رسیدن به سعادت در اجتماع است. طبق این اصل باید موقعیت اجتماعی و محیط زندگی افراد را برای تربیت اجتماعی مطلوب، به سمت مدینه فاضله سوق داد تا سعادت فردی و اجتماعی اعضای جامعه حاصل گردد.

مبنای ارزش‌شناختی: در تفکر اجتماعی نظام‌دار فارابی، سعادت، کمال، تعاون، فضیلت، خیر و تعاون، به‌عنوان والاترین ارزش‌ها در اجتماع به حساب می‌آیند (الفارابی، ۱۹۹۱: ۱۵۴). فارابی در بعد ارزش‌شناختی تربیت اجتماعی، نظریه سعادت را طرح کرده و باور دارد سعادت، برترین غایتی است که انسان در جست‌وجوی آن است و باید انسان در مدینه فاضله تحت آموزه‌های تربیتی رئیس مدینه قرار گیرد و از طریق تعاون و همکاری با سایر افراد مدینه، به سعادت دنیوی و اخروی نائل آید (فارابی، ۱۳۷۱: ۱۰۹). هم‌چنین مهم‌ترین اهداف غایی در تربیت اجتماعی فارابی در بعد ارزشی شناخت و ایمان به خدا، تقرب به خدا و سعادت است. از نظر فارابی غایت انسان رسیدن به سعادت از طریق قرار گرفتن در مسیر تربیت اجتماعی صحیح است. رسیدن به سعادت برای انسان از طریق اجتماع، در گرو انجام رفتار صحیح در اجتماع و انجام رفتار صحیح مستلزم شناخت آن است و شناخت آن به شناخت سعادت مربوط می‌شود (فارابی، ۱۳۷۱: ۱۸۰).

جدول ۶. خلاصه یافته‌های مبانی اجتماعی و دلالت‌های تربیتی آن در اندیشه اجتماعی فارابی

دلالات‌های تربیتی آن	مبانی اجتماعی سند
<p>فراهم‌سازی زمینه شناخت خداوند در متریان از طریق زندگی در اجتماع و مدینه فاضله.</p> <p>ایجاد شوق و علاقه در متریان جهت نیل به سعادت در اجتماع.</p> <p>مسیر رسیدن به سعادت نهایی (خداوند) انجام دادن اعمال فضیلت‌مند توسط متریان تحت تربیت و هدایت ریاست مدینه فاضله.</p>	<p>مبنای هستی‌شناختی (بحث در مورد شناخت خدای متعال از طریق مدینه فاضله)</p>
<p>انسان اجتماعی است و برای برآوردن حوائج اولیه و رسیدن به سعادت در اجتماع باید تربیت شود.</p> <p>اجتماع یکی از بااهمیت‌ترین محیط‌های تربیتی انسان به حساب می‌آید. ضروری است دستگاه تعلیم و تربیت زمینه حضور و مشارکت فعال متریان را در اجتماع و مدینه فاضله فراهم سازد. تعاون و همکاری افراد در جامعه یک اصل مهم تربیت اجتماعی است.</p>	<p>مبنای انسان‌شناختی (بحث در مورد انسان، فطرت و تأثیر اجتماع)</p>
<p>نیل به سعادت حقیقی در مدینه فاضله و اجتماع از طریق کسب معرفت فطری، حسی، عقلی و شهودی.</p> <p>شناخت خداوند به‌عنوان بالاترین مرتبه معرفت در فرایند تربیت اجتماعی.</p> <p>هدایت متریبی از مرحله عقل بالقوه به مرحله عقل مستفاد (نزدیک‌ترین مرتبه به عقل فعال).</p> <p>ایجاد تحول در موقعیت اجتماعی به‌عنوان یکی از راه‌های کسب معرفت.</p>	<p>مبنای معرفت‌شناختی (بحث در مورد انواع معرفت و راه‌های کسب آن در اجتماع)</p>
<p>سعادت، کمال، تعاون، فضیلت، خیر و تعاون به‌عنوان والاترین ارزش در تربیت اجتماعی.</p> <p>مهم‌ترین اهداف غایی در تربیت اجتماعی فارابی در بعد ارزشی شناخت و ایمان به خدا، تقرب به خدا و نیل به سعادت از طریق اجتماع.</p> <p>غایت انسان در اجتماع رسیدن به سعادت از طریق قرار گرفتن در مسیر تربیت اجتماعی صحیح.</p>	<p>مبانی ارزش‌شناختی (بحث در مورد ماهیت ارزش‌ها در اجتماع)</p>

سؤال سوم: تحلیل تربیت اجتماعی سند تحول بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی چگونه است؟

فارابی به‌عنوان فیلسوف مسلمان، بیشتر در بیان نظریه اجتماعی خود به نظریه‌پردازی و ارائه

مبانی پرداخته، راهکارهای عملی و اجرایی ارائه نداده و سپس فلسفه اجتماعی را گفته است. اما سند در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی خود بیشتر به راه کارهای عملی پرداخته و در این زمینه مبانی، اصول، روش و رویکرد خود را معرفی کرده است (میرزا محمدی، ۱۳۹۳). در نگاه سند، رویکرد و جهت گیری در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح است. به کارگیری واژه فضیلت مدار در این رویکرد نیز حاکی از اهمیت توجه کردن به مباحث ارزشی و اخلاقی و لحاظ کردن آن‌ها در این نوع تربیت است. اخلاق به منزله آیین نامه‌ای است که انسان را، به لحاظ انسان بودن، موظف می‌سازد آن را رعایت کند. چنین دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌های اخلاقی در دین و دستورات دینی، به بهترین نحو مورد تأکید قرار گرفته‌اند. دین که در واقع سپهر فراگیر تمام ساختارها و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی و منبع هنجار فرست (نظام معیار) در تربیت اجتماعی و سیاسی است، باید مورد نظر قرار گیرد و نقش بی‌بدیل خود را در هدایت و اعتلای مناسبات اجتماعی در سطح خانوادگی و اجتماعی ایفا کند؛ چراکه اصلاح رابطه با خدا که اصلاح رابطه با خود، دیگران و طبیعت را نیز به همراه خواهد داشت، در تربیت اجتماعی و سیاسی عنصری کلیدی است و به آن جهت خواهد داد (سند، ص ۳۰۴).

در این راستا، ارتباط با خانواده یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های ارتباط است که در شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌ها نقشی انکار نشدنی دارد. براین اساس، زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل‌گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است (سند، ص ۳۰۳). ایجاد آمادگی برای عضویت در جامعه صالح، به لحاظ اهمیت کلیدی واژه شهروندی، در مباحث مربوط به تربیت اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. بی‌گمان تربیت شهروندان خوب یکی از دل‌مشغولی‌های اکثر نظام‌های تربیتی در بسیاری از کشورهای دنیاست. مسائل و مشکلاتی هم که در حوزه اجتماعی در کشورمان پدید می‌آید، ضرورت بازاندیشی در تربیت شهروندی را می‌طلبد.

سند در مبنای انسان‌شناختی، انسان را موجودی دوجهبی، درهم‌تنیده و مرتبط می‌داند که مرکب از جسم و روح است که این دو وجه و دو جنبه وجود انسان، بر هم تأثیر و تأثر مداوم و متقابل دارند (سند، ص ۵۷). هم‌چنین از نگاه این مبنا، حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود (سند، ص ۵۸). در مبنای انسان‌شناختی

فارابی، انسان موجودی مرکب از روح مجرد و جسم مادی است که روح و نفس او اشرف از جسم و بدن است. فارابی معتقد است نفس و بدن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و ارتباط نفس و بدن سرچشمه آثاری در قوای نفس و سعادت انسان است (فاخوری و خلیل، ۱۳۹۳: ۳۵). پس از لحاظ دووجهی بودن انسان، اشرفیت روح و تأثیر متقابل روح و بدن برهم، مبنای انسان‌شناختی سند نزدیک به مبنای انسان‌شناختی فارابی است ولی چون فارابی یک فیلسوف است، در بعد انسان‌شناختی به انسان و ماهیت او بیشتر از طریق تعقل می‌نگرد. فارابی از طریق استدلال عقلی سعی کرده تا فهم بهتری از انسان و ماهیت او عرضه کند و معتقد بود که سعادت انسان از طریق کسب علوم با روش عقلانی میسر می‌شود. سند در بخشی دیگری از مبنای انسان‌شناختی خود به تأثیر اجتماع بر انسان پرداخته طوری که در سند آمده است که انسان هم از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد (سند، ص ۷۰). در بند دیگری از سند آمده است: «انسان به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی (به‌خصوص در آغاز زندگی) در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد؛ هرچند این تأثیر هرگز به آن شکل نیست که او را به‌صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد (سند، ص ۷۵). همچنین انسان در آرا و اندیشه‌های معلم ثانی به گونه‌ای توصیف شده است که علاوه بر اینکه از شرایط تأثیر می‌پذیرد، می‌تواند در برابر شرایط و موقعیت‌ها مقاومت کند یا بر آن‌ها تأثیرگذار باشد. معلم ثانی معتقد است که انسان برای رسیدن به سعادت و کمال به اجتماع نیاز دارد؛ لذا در تربیت اجتماعی، مبنای انسان‌شناختی سند از لحاظ ارتباط و پیوند عمیق بین اجتماع، انسان و سعادت منطبق با مبنای انسان‌شناختی فارابی است.

در مبنای انسان‌شناختی سند و فارابی به بحث فطرت پرداختند. در بند ۳-۲-۱ سند آمده است: «انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن در اجتماع و جهان هستی است» (سند، ص ۵۸)؛ یعنی آدمی نسبت به مبدأ عالم هستی معرفت و گرایشی اصیل و غیر اکتسابی دارد. هم‌چنین در بند ۴-۲-۱ سند آمده است: «انسان بر حسب فطرت و آفرینش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) در اجتماع است» (سند، ص ۵۸). در این راستا فارابی نظریه فطرت را بیان و در نهایت به طرح مدینه فاضله پرداخته که فطرت در مدینه فاضله فارابی عامل اصلی

تعیین‌کننده سلسله‌مراتب اجتماعی و گوناگونی‌هاست (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۲۲۸)؛ بنابراین، فطرت در مبنای انسان‌شناختی سند، عامل اصلی جویای همه مراتب کمال و در نزد فارابی، عامل تعیین‌کننده سلسله‌مراتب اجتماعی است که از این لحاظ نگاه سند متفاوت‌تر از نگاه فارابی است. در مبنای معرفت‌شناختی سند آمده است که انسان از طریق حواس، شهود، مکاشفه و وحی و الهام، نسبت به واقعیت‌ها در اجتماع معرفت و شناخت پیدا می‌کند (سند، ص ۷۸). سند در معرفی انواع معرفت‌ها به‌نوعی اولویت‌بندی، تقدم و تأخر رتبی در تحصیل و تعلیم دانش‌ها در اجتماع قائل است. ملاک و شاخص‌های اعتبارسنجی معرفت‌ها در اجتماع و تربیت اجتماعی، منطبق با شواهد عینی، سودمندی نتایج و اعتبار مرجع معرفی شده است (سند، ص ۸۰). فارابی شریف‌ترین علوم در اجتماع را علم الهی می‌داند و انواع معرفت را به معرفت فطری، حسی، عقلانی و اشراقی تقسیم نموده است (فارابی، ۱۳۷۱: ۹۲-۸۵). بر این اساس فارابی در مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی در زمینه راه‌های کسب معرفت در کتاب «آرا اهل مدینه فاضله» می‌گوید: «انسان معرفت خود را مستقیماً از ناحیه وحی، یعنی عقل فعال دریافت می‌کند. هرآنچه از ناحیه خدای متعال به عقل فعال اضافه می‌شود از عقل فعال - به وساطت عقل مستفاد - به عقل منفعل او و از آنجا به قوه مخیله‌اش افزوده می‌شود (الفارابی، ۱۹۵۹، ص ۱۱۸). پس از نظر مبنای معرفت‌شناختی فارابی، انسان بیشتر انسان عقلانی است که با کسب معرفت از طریق عقل فعال به سعادت می‌رسد؛ اما در سند بر اساس مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی، انسان بیشتر یک انسان دینی است و انسانی عقلی که سعادت را از طریق کسب علوم داشته باشد نیست؛ زیرا رویکرد حاکم بر فلسفه و سند تحول در زمینه تربیت انسان، باور عمیق به اسلام و اندیشه‌ها و ارزش‌های والای آن و جامعیت و شمول آن است، از این‌رو تلاش شده است با نگاه نظام‌وار به اسلام و منابع و مصادر اصیل آن مراجعه و از آن بهره برده شود. به عبارتی بهتر؛ سند تحول بنیادین تصویری که از انسان در مبنای انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی ارائه می‌دهد، برگرفته از متون غنی اسلامی است.

یکی دیگر از مهم‌ترین تفاوت‌ها بین مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی فارابی با سند این است که فارابی در معرفت‌شناختی خویش، نمودگرا و غایت‌گراست؛ بنابراین از این جهت معتقد به تعدد معرفت‌ها و روش‌های کسب آن در اجتماع است. بر این اساس، او علم را شناخت توأمان نموده‌ها، بوده‌ها و غایت پدیده‌های اجتماعی می‌داند، خواه جهات قابل مشاهده یعنی نموده‌ها، که اعم از افعال، روابط، رفتار و ساختارهای مدنی هستند و بیشتر نیاز به توصیف، تحلیل و تبیین به شیوه

استشهادی دارند، خواه جهات غیرقابل مشاهده یعنی بودها و غایت‌ها اعم از هنجارها، ارزش‌ها و نهادها در اجتماع که بنیان نموده‌ام باشند و بیشتر نیاز به تعلیل، نهان‌یابی معنا‌کاوی و تفهم به شیوه استدلالی دارند (مهاجر نیا، ۱۳۹۳)؛ اما مبنای معرفت‌شناختی تربیت اجتماعی سند دین‌گرا و استدلالی است.

در مبنای ارزش‌شناختی تربیت اجتماعی، سند ماهیت ارزش‌ها را در اجتماع یک امر واقعی می‌داند که تابعه واقعیت‌های اجتماعی است. اعتبار ارزش‌ها در اجتماع هم از طریق عقل و فطرت انسانی و هم با مراجعه به نظام معیار دینی معلوم می‌گردد. در سند، معیار ارزش‌ها در درجه نخست براساس حسن و قبح عقلی تعیین می‌گردد اما در مواردی که عقل توانایی درک ارتباط واقعی بین اعمال اختیاری و نتایج اخروی ارزش‌ها را در اجتماع ندارد، وحی و تعالیم دین، در این موارد، بشر را با آن حقائق و ارزش‌ها در اجتماع آشنا می‌سازد. بر اساس این مبنای ارزش‌ها در تربیت اجتماعی از مراتبی تشکیکی برخوردارند که معیار مرتبه‌بندی آن‌ها نقشی است که در عرصه حیات اجتماعی ایفا می‌کنند. با این نگاه، ارزش‌هایی که به حیات جمعی انسان‌ها مربوط است از لحاظ بعد ارزشی در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد. همین‌طور، ارزشی که به حیات جاوید آدمی نظر دارد از مرتبه‌ای بالاتر نسبت به مرتبه قبلی برخوردار است.

فارابی در مبنای ارزش‌شناختی خود، ماهیت ارزش‌ها در اجتماع را امری عقلانی - وجدانی می‌داند که آن‌ها را می‌توان از طریق نمودهای اعتقادات، اهداف، امیال و گرایش‌ها، آرمان‌ها و رفتارهای افراد در جامعه بازشناخت (فارابی، ۱۳۷۱: ۱۵). در نزد فارابی ملاک و معیار تعیین حسن و قبح ارزش‌ها عقل است. در نظام ارزش‌شناختی فارابی، مقصود انسان رسیدن به سعادت است که برای نیل به آن، نیازمند شناخت عواملی است که در گرو انجام رفتار صحیح و انجام رفتار صحیح مشروط به آن است و از طریق تربیت اجتماعی (تربیت در مدینه فاضله)، باید تمام ظرفیت‌های وجودی انسان شکوفا شود.

یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت اجتماعی، مؤلفه سعادت و بستر رسیدن به آن است که سند و فارابی در مبنای ارزش‌شناختی خود به آن پرداخته‌اند. در این مبنای سعادت را کمال، نهایت و غایت چیزی می‌دانند که انسان با سعی و تلاش خود به سوی آن حرکت می‌کند. از نگاه مبنای ارزش‌شناختی سند و فارابی، سعادت به دنیوی و اخروی تقسیم شده است. در نگاه فارابی، بیشتر بعد عقلانی سعادت مدنظر است که این نگاه متأثر از دیدگاه ارسطو است؛ زیرا ارسطو هم سعادت

را بیشتر عقلانی و نظری می‌پنداشت. همچنین فارابی به سعادت اجتماعی در قالب مدینه فاضله بیشتر توجه نموده است. خادمی (۱۳۸۷) معتقد است که فارابی جدای از زندگی مدنی یا زندگی در میان امت، در میان سعادت فردی بحث نمی‌کند، بلکه به نظر او ملاک تشخیص سعادت حقیقی از سعادت مظنون، آن است که مشخص شود فرد عضو مدینه فاضله است یا جاهله و نیل به سعادت منوط به آن است که حکیم در جامعه حکومت کند.

بنابراین فارابی در مبنای ارزش شناختی خود تأکید زیادی بر کسب سعادت و رسیدن به کمال دارد. وی برای همین منظور به ترسیم مدینه فاضله‌ای می‌پردازد تا در پرتو آن بتواند شهروندان را به سعادت و کمال برساند؛ چراکه فارابی مدینه‌های زمان خود را ضاله می‌داند و معتقد است که سعادت فقط در مدینه فاضله و جامعه عدالت‌محور تحقق می‌یابد. سعادت‌طلبی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با موانع و چالش‌هایی همچون دنیاپرستی، دین‌گریزی و سعادت‌های پنداری مواجه شده است که دنیای مدرن امروزی بدان دامن زده است. فارابی نیز در زمانه خود با این چالش مواجه بوده است و برای رسیدن به سعادت و کمال، به ترسیم مدینه فاضله عادلانه می‌پردازد تا در پرتو آن بتواند انسان را به سعادت برساند.

این هدف در قلمرو تربیت اجتماعی موجب رشد و ترقی نظام تعلیم و تربیت اسلامی خواهد گردید و مریبان و دانش‌آموزان را به سعادت حقیقی که همان قرب الی الله است نزدیک خواهد کرد. به عبارت دیگر از دیدگاه دینی، تحقق سعادت جاوید آدمیان مستلزم نوعی زندگی مؤمنانه است که آن را حیات طیبه می‌نامند که این، خود گویای اهمیت تربیت اجتماعی در راستای رسیدن به کمال و جامعه مطلوب است. همچنین از نظر سند تحول، سعادت، کمال، تعالی فرد و جامعه به عنوان ارزش مدنظر است؛ بنابراین در سند تحول آمده که جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد (سند، ص ۶۵). براین اساس می‌توان گفت که سند در مبنای ارزش شناختی تربیت اجتماعی، به بحث سعادت به صورت کلی و از مسیر دینی پرداخته است ولی فارابی، سعادت را به شکل گسترده و با رویکرد عقلانی در درون مدینه فاضله مورد بحث قرار داده است.

سند بر مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی، بستر رسیدن به سعادت را حیات طیبه و جامعه صالح می‌داند. از نگاه هستی‌شناختی سند، باید در راستای تحقق حیات طیبه، زمینه‌های لازم را جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی افراد جامعه، به منظور شکل‌گیری و تحول

مداوم جامعه‌ای صالح بر اساس نظام معیار اسلامی، فراهم آورد. در این مبنا، پذیرش توحید ربوبی، قبول ولایت خداوند و اولیای خدا و تن ندادن به سرپرستی طاغوت (حاکمیت غیر الهی) از مبادی تشکیل جامعه صالح‌اند و منتهای آن نیز وصول به قرب الی الله (تحقق حیات طیبه) است؛ هرچند دستیابی به رفاه و قدرت (نه همچون هدف اصلی بلکه به‌منزله پیامدی مهم) در جامعه صالح، ممکن و ضروری است. فارابی بر مبنای هستی‌شناختی تربیت اجتماعی، بستر رسیدن به سعادت را مدینه فاضله می‌داند. وی با طرح مدینه فاضله در مبنای هستی‌شناختی، نوعی آرمان‌گرایی عقلانی مبتنی بر اندیشه اسلامی را در خصوص بستر نیل به سعادت رقم زده است.

آرمان‌گرایی یک نوع الگو پردازی است که هدف آن تغییر و بهبود شرایط موجود در اجتماع است. فارابی در طرح مدینه فاضله به چگونگی رسیدن انسان به سعادت از طریق اجتماع انسانی بحث می‌کند. مدینه فاضله جایی است که مقصود از اجتماع در آن، تعاون بر اموری باشد که موجب سعادت شود. فارابی باور دارد که اجتماع افراد با این هدف، اجتماع فاضل است و امتی، امت فاضله است که شهرهای آنان بر اموری تعاون کنند که موجب حصول سعادت باشد (فارابی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۳). ریاست مدینه در طرح مدینه فاضله فارابی محور و مهم است، به‌طوری‌که از دیدگاه فارابی، رئیس مدینه فاضله، انسانی است که خدا بر او توسط عقل فعال وحی می‌کند؛ بنابراین فارابی ریاست مدینه فاضله را نبی قلمداد می‌کند که با خداوند از طریق وحی در ارتباط است؛ اما سند چنین دیدگاهی در خصوص ریاست جامعه صالح ندارد و در سند ریاست، جامعه صالح محور نیست و تأکیدی روی این بحث مشاهده نمی‌شود.

با مقایسه مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی و سند تحول بنیادین مشخص می‌شود که در بسیاری از موارد، مبانی تربیت اجتماعی موردنظر فارابی در سند تحول مشاهده می‌شود و می‌توان مابه‌ازای مبانی تربیت اجتماعی موردنظر فارابی را در سند پیدا کرد. از جمله این اشتراکات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول ۷. تحلیل تربیت اجتماعی سند تحول بر اساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی

ماه‌آزای مبانی تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین	مبانی تربیت اجتماعی در دیدگاه فارابی	دیدگاه مبانی اجتماعی
<p>بحث در مورد خدای متعال، جهان هستی و اجتماع. خداوند غایت همه موجودات در جهان هستی و بالطبع در اجتماع است.</p>	<p>بحث در مورد خدای متعال و جهان هستی. خداوند غایت قصوی و کمال مطلق در هستی است. غایت‌انگاری در همه منظومه فکری فارابی به‌ویژه در شکل‌گیری اجتماعات.</p>	<p>مبنای هستی‌شناختی</p>
<p>انسان به دلیل کمال‌جویی، موجودی اجتماعی است. انسان از شرایط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. انسان بر اجتماع تأثیر می‌گذارد. هویت انسان در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود.</p>	<p>انسان موجودی اجتماعی است. انسان برای رسیدن به سعادت و کمال به اجتماع نیاز دارد. انسان‌ها از فطرت مشترک و استعداد متفاوت در اجتماع برخوردار هستند.</p>	<p>مبنای انسان‌شناختی</p>
<p>انسان نسبت به درک موقعیت خود و دیگران در اجتماع توانایی دارد. تعقل مهم‌ترین فعالیت آدمی جهت کسب معرفت در اجتماع است. روش‌های کسب معرفت، حواس، شهود و مکاشفه و وحی و الهام است.</p>	<p>شناخت خداوند از طریق جهان هستی، مدینه فاضله و عقل، کامل‌ترین معرفت‌ها است. انواع معرفت، معرفت فطری، حسی، عقلانی و اشراقی است.</p>	<p>مبنای معرفت‌شناختی</p>
<p>غایت زندگی انسان «قرب الی الله و حرکت به سوی خدا» مهم‌ترین ارزش است. حیات طیبه در جامعه صالح بستر نیل به غایت زندگی. اعتبار ارزش‌های اجتماعی بر قرب الهی استوار است. انواع ارزش‌ها: ارزش‌ها به غایی و ابزاری تقسیم و تعیین مرتب آن بر اساس غایت زندگی است. ملاک تعیین ارزش‌ها، دین، عقل و فطرت است.</p>	<p>والاثرین ارزش در مدینه فاضله، سعادت است. رسیدن به قرب الهی سعادت غایی است. نیل انسان به سعادت غایی از طریق مدینه فاضله است. تعاون در مدینه فاضله موجب نیل انسان‌ها به سعادت می‌شود. انواع سعادت، سعادت دنیوی و سعادت قصوی است.</p>	<p>مبنای ارزش‌شناختی</p>

علی‌رغم وجود مبانی تربیت اجتماعی مشترک فوق، برخی از مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه فارابی که در سند تحول کمتر مورد توجه قرار گرفته یا اصلاً به آن‌ها توجه نشده است - که می‌توان این مورد را جزء نقاط ضعف سند تحول در موضوع مبانی تربیت اجتماعی به حساب آورد - به شرح زیر است:

- جامعیت نگاه فارابی به اجتماع، مبانی اجتماعی تربیت و دلالت‌های تربیتی آن: همان‌گونه که گفته شد، فارابی مبانی اجتماعی تربیت را در قالب اندیشه مدینه فاضله به صورت کامل و در رابطه با سه مؤلفه اساسی نظام آموزشی (که امروزه به آن مؤلفه‌ها، مثلث کیفیت آموزشی می‌گویند) شامل رئیس مدینه به‌عنوان معلم، متریان به‌عنوان شاگردان و درس و محتوای در نظر گرفته شده، بیان می‌کند؛ درس و محتوایی که رئیس مدینه، علوم را از عقل فعال دریافت می‌کند و به مراتب مختلف مدینه انتقال می‌دهد و هر مرتبه نیز افزون بر ادراک آن علوم و عمل به مقتضای آن، باید آن را متناسب با فهم دیگر طبقات زیرین تنزل دهد تا آنچه درباره تعاون اهل مدینه برای رسیدن به سعادت حقیقی شرح دادیم، معنا یابد. این نگاه بسیار دقیق و عالمانه در حوزه مبانی اجتماعی تربیت، کم‌نظیر بوده و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دیده نمی‌شود.

- اهتمام بیشتر فارابی به جایگاه و چیستی انسان در شکل‌دهی فلسفه اجتماعی‌اش: معلم ثانی در مبنای انسان‌شناختی تربیت اجتماعی خویش کوشیده آدمی را از تعریف فلسفی در مابعدالطبیعه به سوی انسان‌سازی در متن واقع و اجتماع بکشاند تا فلسفه اجتماعی او نه تنها مطالب انتزاعی نباشد بلکه انسان انتزاعی را به انسان متحقق و اجتماعی در خارج پیوند دهد. انسان در مدینه فاضله فارابی اصل است و تمام ساختارهای مدینه بر پایه معرفت عقلانی و حیانی به ساحت‌های وجودی او شکل گرفته است؛ از این رو، مدینه فاضله وی هم در بُعد اخلاق، قانون، فرهنگ، معرفت و هنر و هم در تعریف مفاهیم کمال و سعادت، کاملاً بر اساس دو الگوی عقل و وحی شکل گرفته است تا انسان را از گذر زندگی روزمره در مدینه به سعادت مورد نظر فیلسوف و نبی سوق دهد. این میزان توجه و اهتمام به تربیت انسان از طریق اجتماع در سند تحول بنیادین به چشم نمی‌خورد.

- توجه بیشتر به سعادت حقیقی و چگونگی رسیدن به آن در مبنای ارزش‌شناختی: فارابی پیرامون چگونگی زمینه‌سازی و هدایت افراد در مدینه فاضله به سمت سعادت غایی به صورت کامل راه کارهای مطلوبی را ارائه داده است. معلم ثانی اصل تعاون را یکی از روش‌های نیل به سعادت در اجتماع معرفی کرده است. فارابی معتقد است انسان‌های فاضل در مدینه‌ای فاضل،

زمانی می‌توانند تعاونی منجر به سعادت همگانی داشته باشند که معنایی واحد را از سعادت مدنظر داشته باشند. در اینجا می‌توان به‌خوبی ابتدای تمام نظامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مدینه را بر عقل نظری و عملی انسان مشاهده کرد. فارابی کار را در اینجا تمام شده نمی‌داند، بلکه گام بعدی را پس از وحدت رأی، وحدت و انسجام عملی مردم در مدینه می‌داند. فارابی وحدت رأی و عمل را منجر به ایجاد نوعی رابطه عاطفی فراگیر، حس صمیمیت و محبت در جامعه می‌داند تا این توهم پیش نیاید که جامعه موردنظر او، جامعه‌ای مکانیکی است که افراد تنها مکلف به انجام وظایف‌اند و صرفاً رابطه‌ای مبتنی بر تکلیف و وظیفه دارند. اما سند تحول در مبانی ارزش شناختی به این شکل کامل، در خصوص سعادت و رسیدن به آن از طریق حیات طیبه بحث نکرده است. در سند، اساسی‌ترین موضوع در این زمینه یعنی چگونگی زمینه‌سازی و هدایت افراد به سوی سعادت در جامع صالح توضیح داده نشده است. چگونه می‌توان افراد را به سوی سعادت از طریق حیات طیبه و جامعه صالح هدایت کرد و ناقض اختیار و اراده آنان نشد؟ چه عواملی بر گزینش یا عدم گزینش حیات طیبه به‌عنوان جریان و غایت زندگی مؤثر است؟ چگونه می‌توان کسانی را که دچار بحران اخلاقی شده‌اند، به سوی سعادت از طریق حیات طیبه و جامعه صالح هدایت کرد؟ این سؤال‌ها مواردی است که سند در مبانی ارزش شناختی تربیت اجتماعی خویش به آن‌ها پاسخ نداده است.

البته نباید از نظر دور داشت که برخی از مؤلفه‌ها در مبانی تربیت اجتماعی سند تحول در نظر گرفته شده است که در آثار و آرای اجتماعی فارابی ردپایی از آن‌ها وجود ندارد. این مؤلفه‌ها شامل هویت‌بخشی (هویت دینی و ملی)، آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اجتماعی، توجه به خصوصیات و نیازهای بومی و منطقه‌ای، آموزش و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جامعه می‌باشند. در ضمن، باید توجه داشت که نبودن این مؤلفه‌های اجتماعی در اندیشه فارابی دلیل بر ضعف این مربی نبوده؛ بلکه این مؤلفه‌ها، اقتضای مبانی اجتماعی تربیت در عصر حاضر است و در زمان زندگی فارابی اصولاً این مؤلفه‌ها مطرح نبوده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین تربیت اجتماعی سند تحول بنیادین و تحلیل آن بر اساس نظریه اجتماعی فارابی به روش تحلیلی - استنباطی انجام شد. با بررسی مبانی تربیت اجتماعی سند و

فارابی، همگرایی و تقابل دیدگاه‌های آن‌ها مشخص شد؛ بدین گونه که بر مبنای هستی‌شناختی سند و فارابی، شکل‌گیری اجتماع و جامعه صالح غایت‌مند و غایت اجتماع خداوند است. فارابی به عنوان فیلسوف غایت‌گرا به اجتماع در قالب مدینه فاضله پرداخته و غایت قصوی و کمال مطلق را خداوند متعال معرفی کرده است. این غایت‌انگاری در همه منظومه فکری او به‌ویژه از شکل‌گیری اجتماعات تا استقرار نظام سیاسی دیده می‌شود. در مبنای انسان‌شناختی، هر دو بر دووجهی (جسم و روح) و اجتماعی بودن انسان تأکید دارند؛ اما سند در مبنای انسان‌شناختی خود، سیمای کلی انسان را به‌طور مفصل از منظر رویکرد اسلامی تبیین نموده است، در صورتی که فارابی از منظر رویکرد عقلانی به توصیف انسان پرداخته بود. یافته این مطالعه با نتایج تحقیق صحبت‌لو (۱۳۹۵) همخوانی دارد؛ زیرا وی در پژوهش خود از نظر ابن‌سینا، انسان را بیشتر عقلی دیده است. نتایج حاصل از این مطالعه نیز نشان داد که از دیدگاه فارابی انسان بیشتر عقلانی است؛ اما سند، انسان را بیشتر دینی می‌داند و هر دو، سعادت را به‌عنوان محور اصلی مبنای انسان‌شناختی معرفی کرده‌اند. نکته دیگر، اشاره به زندگی اجتماعی و گروهی در جامعه صالح است که هر دو بر آن تأکید داشتند. به عقیده آن‌ها انسان برای رسیدن به سعادت و کمال به زندگی در اجتماع نیازمند است که هم بر اجتماع تأثیر بگذارد و هم از اجتماع تأثیر بپذیرد تا از این مسیر به کمال‌نهایی که قرب الی‌الله است، نائل آید.

در مبنای معرفت‌شناختی سند، حواس، عقل، شهود و مکاشفه و وحی و الهام به‌عنوان ابزارهای شناخت واقعیت در اجتماع معرفی شده که در این زمینه، سند از تعقل به‌عنوان مهم‌ترین فعالیت آدمی جهت کسب معرفت در اجتماع نامبرده است. پس سند ضرورت شناخت را در راستای نظام حیات اجتماعی معقول می‌بیند و معتقد است حواس طبیعی، عقل نظری، شهود و وحی از ابزار کسب معرفت است. فارابی در معرفی انواع معرفت به معرفت فطری، حسی، عقلانی و اشراقی باور دارد. از نظر فارابی معرفت اشراقی که بر شهود و ذوق و عرفان مبتنی است، در مقابل معرفت مشایی که مبنای آن بر استدلال و منطق عقلی است، قرار دارد. هر دو شریف‌ترین علوم در اجتماع را علم الهی می‌دانند.

در مبنای ارزش‌شناختی، سند راه تحصیل کمالات انسانی و رسیدن به سعادت غایی را از طریق حیات طیبه (نوعی زندگانی شایسته انسان بر اساس نظام معیار دینی) در جامعه صالح می‌داند. در دیدگاه سند، بستر و راه رسیدن به سعادت، از رهگذر مدرسه صالح، جامعه صالح و حیات طیبه

است که در این دنیای مادی، بسیار انتزاعی و تا حدودی غیرقابل دسترس است. فارابی در مبنای انسان‌شناختی خود مبحث سعادت و رسیدن به آن از طریق مدینه فاضله را مهم و اصلی‌ترین ارزش می‌داند. در این مبنا معلم ثانی در بستر تعالیم اسلامی مبحث سعادت را با رویکرد عقلانی مورد بحث قرار می‌دهد و به مراتب، درجات و انواع آن (دنیوی و قصوی) به‌طور گسترده اشاره می‌کند؛ اما سند تحول، سعادت را به‌صورت کلی در بستر آموزه‌های دین مبین اسلام مطرح می‌کند و درباره انواع، مراتب و درجات سعادت، مطلق و نسبی بودن، به آن صورت عمیق که نزد فارابی مطرح شده بحث نکرده است. باینکه دیدگاه‌های هر دو در موضوع سعادت در بستر رویکردهای حاکم بر اندیشه‌های تربیتی شکل گرفته است و باینکه فارابی، فیلسوفی عقل‌گرا و سند، ماهیت دینی دارد؛ اما هر دو بر ارتباط سعادت با معرفت و شناخت تأکید و بیان می‌کنند سعادت هنگامی اتفاق می‌افتد که معرفت خداوند حاصل شده باشد (قرب الی الله). هر دو بر نقش اراده انسان در تحصیل سعادت تأکید می‌ورزند و گناه را مانع رسیدن به سعادت می‌دانند. همچنین بستر سعادت در نزد فارابی، مدینه فاضله است که این هم‌آرمانی و انتزاعی است. ملاحظه می‌شود که هر دو به غایت هستی‌انسان، نگاه آرمانی داشتند که راه و روش چگونگی نیل به این آرمان با توجه به شرایط حاکم در هر دو دیدگاه مبهم است. این بخش از یافته با نتایج مطالعه ترکاشوند (۱۳۹۲) هم‌راستا است. ترکاشوند در پژوهش خود نشان داد در مبانی نظری انسان‌شناختی سند تحول، نگاه به انسان فقط معطوف به نگرش اسلامی شده است، درحالی‌که امروزه هویت انسان معاصر به سمت جهانی‌شدن حرکت می‌کند و نیازمند نظر جامع‌تری در مورد انسان هستیم. به‌طور کلی فارابی در اندیشه‌های اجتماعی خود به‌طور مستقیم به تربیت اجتماعی اشاره نکرده است. در این زمینه به بحث اجتماع و زندگی اجتماعی در مدینه فاضله پرداخته و نظریه اجتماعی خود را به‌طور گسترده در طرح مدینه فاضله بیان داشته است؛ اما سند تحول مستقیماً تربیت اجتماعی را در قالب ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی مطرح کرده؛ قلمرو، رویکرد و اصول این ساحت تربیتی را معرفی و برای آن راه کارهای عملی ارائه کرده است.

درنهایت تحلیل مبانی اجتماعی این دو دیدگاه، می‌تواند دلالت‌ها و نکات ارزنده ذیل را در

تربیت اجتماعی همراه داشته باشد:

- تربیت اجتماعی در سند بیشتر بر اساس نظام معیار اسلامی و زیر چتر دین تبیین شده است؛ اما فارابی، در اندیشه اجتماعی خود از زاویه عقل به تبیین تربیت اجتماعی پرداخته است.

- اعتقاد به خدا و پذیرش توحید ربوبی، تمامی عناصر تربیت اجتماعی را در جامعه تحت پوشش قرار دهد به طوری که متربی موحد در بینش، رفتار و کنش اجتماعی، توحیدی بیندیشد و عمل کند و سراسر زندگی اجتماعی اش حضور توحید باشد.
 - هدفمندی، ارادی بودن و نتیجه‌بخشی در مسیر سعادت از ملاک‌ها و ویژگی‌های رفتار اجتماعی متربی هستند.
 - متربی در مبدأ حرکت اجتماعی و در غایت تربیت اجتماعی خود بر اساس اشتراک در فطرت و کمال نهایی که با دیگران دارد، همراه و هم‌سو است.
 - در راستای کرامت انسانی متربی، استفاده از روش‌های تربیتی مانند تکریم و تغافل در تربیت اجتماعی مورد نیاز است.
 - الگوبرداری در اجتماع، روشی برای تغییر وضعیت متربی از ردائل اخلاقی به فضائل اخلاقی در تربیت اجتماعی است.
 - از آنجاکه تکرار و مداومت بر انجام رفتارهای مطلوب اجتماعی، منجر به تقویت رفتارهای مطلوب اجتماعی در متربیان می‌شود، آموزش مهارت‌های اجتماعی مطلوب باید استمرار داشته باشد.
- به نظر می‌رسد دیدگاه‌های مطرح شده در سند و اندیشه‌های اجتماعی فارابی پیرامون مبانی تربیت اجتماعی مکمل خوبی برای یکدیگر باشند؛ به این صورت که هنگامی که سند از انسان دینی صحبت می‌کند، فارابی انسان عقلی را بیان می‌کند و آن هنگام که سند، سعادت را از منظر دینی و رویکردهای اسلامی مورد بحث قرار می‌دهد، فارابی به سعادت در بستر رویکردهای عقلانی می‌پردازد. با توجه به اینکه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حال اجرایی شدن است، ضروری است که به‌طور مستمر مورد بازنگری، ارزیابی و نقد قرار گیرد. در این راستا، نتایج این قبیل مطالعات که ماهیت فلسفی - اجتماعی دارند، می‌توانند در ارزیابی و بازنگری مبانی تربیت اجتماعی سند بر اساس آرای تربیتی اندیشمندان مسلمان از قبیل فارابی و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷)، *اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان*، چاپ سوم، تهران: سروش.

تبیین تربیت اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تحلیل آن براساس نظریه تربیت اجتماعی فارابی / ۲۵۳

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: آگاه.
- احمدی هدایت، حمید (۱۳۹۲)، بازبینی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس آرای تربیتی ژان پیاژه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز همدان.
- ارسطو (۱۳۸۵)، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
- ایمانی، محسن؛ بابایی، محمد اسماعیل (۱۳۸۷)، ارزش شناسی فارابی و دلالت های آن در تربیت اخلاقی (با تأکید بر اهداف، اصول و روش ها)، تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، صص ۸۱-۱۰۴.
- باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ترکاشوند، مراد (۱۳۹۲)، بررسی و نقد مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران.
- جمشید نژاد، غلامرضا (۱۳۸۸)، آرمان شهر فارابی، مروری بر زندگی و آثار ابونصر محمد فارابی، تهران: همشهری.
- خادمی، عین الله (۱۳۸۷)، معنای سعادت از دیدگاه فارابی، نشریه پژوهش های فلسفی - کلامی، زمستان ۸۷، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۷.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلام، انتشارات دانشگاه تهران.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۷)، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- دلاور، علی (۱۳۸۹)، روش شناسی کیفی، فصلنامه راهبرد ۱۹ (۵۴): ۳۲۷-۳۲۹.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، مبانی روان شناختی تربیت، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- صحبت لو، علی (۱۳۹۵)، نقد مبانی فلسفی آموزش و پرورش ایران درباره انسان فرهیخته بر اساس دیدگاه ابن سینا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- صدرا، علیرضا (۱۳۸۷)، علم مدنی فارابی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عابدی، منیره؛ نیلی احمدآبادی، محمدرضا (۱۳۹۲)، بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه های علامه طباطبایی، مجله تربیت اسلامی ۲۲ (۴): ۷۹-۱۰۰.
- علاقه مند، علی (۱۳۹۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰)، شرح معضلات قرآنی در المیزان، تهران: انتشارات نور فاطمه.
- غنی لو، محمدرضا؛ شریفی، محمد (۱۳۹۵)، بررسی مبانی نظری تربیت سیاسی - اجتماعی سند تحول بنیادین از منظر اندیشه اجتماعی مطهری، نشریه مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی ۲ (۱): ۱۴۴-۱۲۵.

فاتحی ابراهیم آباد، ابوالفضل؛ شمس آبادی، رضا؛ درخشان فر، طه (۱۳۹۴)، بررسی تربیت سیاسی - اجتماعی و معلم بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دومین کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد.

فارابی، ابونصر (۱۳۶۱)، اندیشه های اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: طهوری.
 فارابی، ابونصر (۱۳۷۱)، سیاست مدنی، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
 فارابی، ابونصر (۱۳۷۹)، سیاست مدنی، ترجمه و تحشیه سید جعفر سجادی، جلد سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

کمال پورخوب، ناصر؛ هاشمی، سید ضیاء؛ نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹)، تبیین جامعه شناسختی مواضع سیاسی تربیت دانش آموز به مثابه شهروند مطلوب در اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم انداز ۲۰ ساله)، مجله نوآوری های آموزشی ۷۳ (۲۲): ۸۹-۱۱۰.
 کوشا فر، محسن (۱۳۹۴)، تحلیل جامعه شناسختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران با تأکید بر رویکرد نخبه گرایی، نشریه مطالعات جامعه شناسختی ۱۸ (۳۸): ۱-۳۰.

مظاهری، حسن (۱۳۹۸)، مقایسه مبانی ارزش شناسختی فلسفه تربیتی پراگماتیسم با مبانی ارزش شناسختی اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۸، دوره جدید، شماره ۴۹، ص ۱۶۷-۱۹۸.

مهاجر نیا، محسن (۱۳۹۳)، فلسفه سیاسی فارابی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
 میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۹۳)، فلسفه تربیتی فارابی، تهران: دانشگاه شاهد.
 هاشمی، سید احمد (۱۳۹۹)، تبیین مبانی تربیت سیاسی - اجتماعی سند تحول بنیادین در اندیشه های دیویی و مطهری به منظور تدوین الگوی شهروندی برای آموزش و پرورش، نشریه پژوهش در نظام های آموزشی وزارت علوم، شماره ۵۰: ۲۹۱-۲۷۱.

یوسف زاده چوسری، محمدرضا؛ شاه ماهی، مرتضی (۱۳۹۹)، ارائه مدل برنامه درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش آموزان دوره متوسطه اول، نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۸: ۲۰۶-۱۷۳.

الفارابی، ابونصر (۱۸۹۰)، رساله عیون المسائل، بیروت: لایدن.
 الفارابی، ابونصر (۱۳۲۵م)، رساله عیون المسائل، تحقیق احمد ناجی الجمال، قاهره: مطبعه السعاده.
 الفارابی، ابونصر (۱۹۷۱)، فصول منتزعه، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت: دارالمشرق.
 الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵ الف)، فصول منتزعه، حقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار، ایران: المکتبه الزهرا.
 الفارابی، ابونصر (۱۹۹۶)، احصاء العلوم، مصر: مکتبه الخانجی.

الفارابی، ابونصر (۱۹۹۱)، آراء اهل المدینه الفاضله، تحقیق نصری نادر، بیروت: دارالمشرق.
 الفارابی، ابونصر (۱۹۸۷)، السیاسه، تحقیق یوحنا قمیر، بیروت: دارالمشرق.
 الفارابی، ابونصر (۱۹۵۹)، مبادی آرا اهل المدینه الفاضله، ابیری نصری نادر، بیروت: المطبعه الکاتولیکیه.

- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization(2020). Global citizenship education. <https://en.unesco.org/commemorations/educationday>.
- Li-chingho & Keith C. Barton(2020). Preparation for civil society: A necessary element of curriculum for social justice. *Journal Theory & Research in Social Education*48(4): 471-491.
- Erik Jon Bykera & Violeta Vainerb(2020). Social studies education in Argentina: Hacia Una Ciudadania global? *The Journal of Social Studies Research*44(4): 355-365.
- Coombs, J. R., & Daniels, L.R. B. (1991) *Philosophical inquiry: conceptual analysis, in Forms of curriculum inquiry*, edited by Edmond C. Short, state University of New York Press, 27-41.



تبين التربية الاجتماعية فى وثيقة التحول الأساسى لنظام التعليم التربة وتحليلها بناءً على نظرية الفارابى للتربية الاجتماعية

ياسر النانكلى *

محمد حسن الميرزا محمدى **

محسن الإيمانى ***

الغرض من هذه الدراسة هو شرح وثيقة التربية الاجتماعية للتحول الأساسى لنظام التعليم و التربية فى الإيران وتحليلها على أساس الأفكار التربوية فى التربية الاجتماعية. كانت الطريقة المستخدمة فى هذا البحث استنتاجية وتوصيفية - تحليلية ، و أنه فى المرحلة الأولى ، تم توصيف مبادئ التربية الاجتماعية فى وثيقة التغيير الأساسى فى نظام التعليم و التربية ؛ بعد ذلك ، تم تحليل وجهة نظر الفارابى باعتباره الفيلسوف الإسلامى الأول الذى لديه نظرية اجتماعية ، ثم تم استنتاج الآثار التربوية من هذه النظريات ، وأخيراً تم تحليل التربية الاجتماعية ومكوناتها فى وثيقة التحول الأساسى لنظام التعليم و التربية، على أساس نظريات الفارابى التربوية. تشير نتائج الدراسة إلى أن التربية الاجتماعية فى السند تقوم على اكتساب الكفاءات على أساس النظام المعيارى الإسلامى الذى يمكن المتعلمين من العثور على درجة من الحياة الطيبة فى الجماعة و المجتمع الصالحين ، للتواصل المناسب و البناء مع العالم البيئى. ؛ لكن من وجهة نظر الفارابى ، فإن معظم التربية الاجتماعية تقوم على اكتساب الكفاءات على أساس نظام معيارى عقلانى ، و يمكن المتعلمين للعثور الى السعادة النهائية فى المدينة الفاضلة ، أن تتم تربيتهم تحت نظر قائد المدينة الفاضلة ، و ان ينالوا من خلال التعاون فى تلك المدينة الفاضلة إلى السعادة الحقيقية

الكلمات الرئيسية: التربية الاجتماعية؛ وثيقة التحول الأساسية ؛ الفارابى. التحليل.

* طالب دكتوراه فى العلوم التربوية ، واحد العلوم والبحوث ، جامعة الحرة الإسلامية ، طهران ، الإيران.

** الكاتب المسؤل: أستاذ مشارك ، قسم العلوم التربوية ، جامعة الشاهد ، طهران ، الإيران.

*** أستاذ مشارك ، قسم العلوم التربوية ، جامعة تربية المدرس ، طهران ، الإيران.

Explaining Social Education in the Fundamental Transformation Documents of Education and Its Analysis based on Farabi's Theory of Social Education

Yaser Nankoli *

Mohammad Hasan Mirza Mohammadi **

Mohsen Imani ***

The purpose of this study is to explain the social education document of the fundamental transformation of Iranian education and its analysis based on educational ideas in social education. The method used in this study was inferential and descriptive-analytical. In the first stage, the principles of social education are described in the document of fundamental change in education. And then the view of Farabi as the first Islamic philosopher who has a social theory has been analyzed and explained. Then educational implications are inferred from these theories. Finally, social education and its components in the document of fundamental transformation of education were analyzed based on Farabi educational theories. The results of the research indicate that social education in the document is based on the acquisition of competencies based on the Islamic standard system which enables educators to have appropriate and constructive relationships with the community around them in order to achieve a degree of good life. But in Farabi's view, most social education is based on the acquisition of competencies based on a rational standard system which enables educators to achieve ultimate happiness in the utopia to be trained under the head of the utopia and to achieve prosperity through cooperation in the utopia.

Keywords: *Social Education, Fundamental Transformation Document, Farabi, Analysis.*

* Department of Educational Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Corresponding author: Department of Educational Sciences, Shahed University, Tehran, Iran.

*** Associate Professor, Department of Educational Sciences, Tarbiyat Modarres University, Tehran, Iran.